



Üj szó

صاحب امتیاز:

# ریاست حقوق بشر، امور زنان و اطفال وزارت امور داخله

مدیر مسؤول:

سماں وال عتیق اللہ نیکمل ساعی

تحت نظر هیأت تحریر:  
مروه امینی، سمونوال سید شفیع الله سادات،  
سمونوال غلام فاروق صافی، خارمن محمد واصل  
محمدی و دوهم خارن آزیتا رسولی

گزارشگر:  
ننگیالی اچکزی

## برگ آرا: طاهر پیمان

”

شخصی که زن را به منظور یا بهانه ازدواج  
به فروش رساند یا خریداری یا در آنها  
واساطت نماید، حسب احوال به حبس  
طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم  
می گردد.

ماده بیست و چهارم، قانون منع خشونت علیه زنان

”

# فهرست مطالب

- | سرمقاله |                                                                                                                  |
|---------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱       | ریس عمومی حقوق پولیس: پولیس ازین مردم برخاسته و به هدف خدمت به مردم وظیفه اجرا می کند                            |
| ۲       | د بهرنیو چارو وزارت: ملي پولیس د ملکو ملتونو د عمومي منشي له بدنام لپست خخه لري شوي دي                           |
| ۳       | امتياز کاتي که دشمن برای ما می دهد                                                                               |
| ۴       | د یوه مشخص دبمن پر وړاندې د ملي پاڅون رامينځته کولو ته اړتیا                                                     |
| ۵       | جایگاه زن در اسلام                                                                                               |
| ۶       | د طالبانو لخوا د تاوتریخوالی ډېربښت د خلکو په منځ کې د دوى د کرکې لامل شوی                                       |
| ۷       | مدیر حقوق بشر قوماندانی امنیه ولايت هرات: زنان و مردان افغان به حمایت از نظام جمهوری آینده را رقم خواهند زد      |
| ۸       | د امریکا خانګې مفتشه اداره: افغان مېرمنو له دوو لسيزو راهیسې د پام ور پرمحظگونه تلاسه کړي دي                     |
| ۹       | چګونه می توان خلاً جنسیتی را در مذاکرات صلح بست؟                                                                 |
| ۱۰      | شعر بخوانيم                                                                                                      |
| ۱۱      | پیام واضح تفکر برداشت زنان؛ طالب و تفکر طالبانی در میان مردم جای ندارد                                           |
| ۱۲      | افغانی پښې او زموږ فرهنگ                                                                                         |
| ۱۳      | خیزش‌های مردمی در صفحه حمایت از جمهوریت است                                                                      |
| ۱۴      | په هېواد کې د پښو وضعیت کومې خواته روان دی؟ د افغان پښو حقوق له گواښ سره مخامنځ دي                               |
| ۱۵      | حق تعلیم زن از دیدگاه اسلام                                                                                      |
| ۱۶      | هغه دام چې طالبان پڅله پکې ولوېدل                                                                                |
| ۱۷      | د اسلام مبارک دین په راتلو سره پښې ته یې هغه ټول حقوق ورکړل چې ورنه په خپل انساني ژوند کې اړتیا دلوده            |
| ۱۸      | جامعه مدنی و مفهوم آن                                                                                            |
| ۱۹      | اعالمیه جهانی حقوق بشر، از دیدگاه قوانین ملي و بین المللی                                                        |
| ۲۰      | حقانیت نبرد نیروهای دفاعی و امنیتی کشور، تأمین صلح و امنیت دائمی در کشور است                                     |
| ۲۱      | مجازات از دیدگاه اسلام و حقوق جزا                                                                                |
| ۲۲      | د (سولې او بشري حقوقنو د تګلاري پر اساس په تیاتر کې د مېرمنو ګډون) تر نامه لاندې په کابل بنار کې غونډه ترسره شوه |

# دستاورهای امروز افغانستان با

## تلاش‌های سربازان قهرمان

### به دست آمد است



## سرمهقاله

دو دهه‌ی پیش افغانستان در بدترین وضعیت از هر نگاهی در سطح جهان قرار داشت. شیرازهای همه چیز از هم پاشیده بود و ریشه و بنیاد همه زیربنایی مادی و معنوی در کشور خشکانیده شده بود، شماری از مردم که در زیر سایه‌ی رژیم طالبان در کابل و ولایات زنده‌گی داشتند، روایت‌های تکان دهنده و دردناک از زنده‌گی شان در آن ایام دارند. هزاران شهروند افغانستان کشور را ترک کرده و به کشورهای همسایه، اروپا، امریکا و کشورهای آسیای میانه آواره شده بودند. نه از دموکراسی خبری بود و نه هم برنامه‌ی برای رشد اقتصاد و تجارت و آموزش و تحصیل! کسانی که در زیر چتر امارت طالبانی زنده‌گی داشتند، تنها مرده‌گان متحرك بودند. همه آزادی‌ها و حقوق شهروندان افغانستان سلب شده بودند و طالبان زنان افغان را در خانه‌ها زنده به گور کرده بودند.

بدون تردید می‌توان دوره‌ی امارت طالبانی در افغانستان را سیاه ترین دوره در تاریخ معاصر افغانستان عنوان کرد که همه حقوق و آزادی‌های مردم زیر پا شده بود و طالبان نیز جنایات تکان دهنده‌ی را در زمان امارت شان انجام دادند که مردم افغانستان هیچ‌گاه کارنامه‌های سیاه طالبان را از خاطر نخواهند برد و برای جلوگیری از تکرار آن از هیچ‌گونه سعی، تلاش و مبارزه دریغ نخواهند کرد.

پس از سقوط رژیم طالبان، اما افغانستان شاهد تحولات عظیم و پر شکوه در همه بخش‌ها بود که با تلاش دولت جمهوری اسلامی افغانستان و به حمایت جامعه‌ی جهانی، شهروندان افغانستان از حقوق و امتیازهای شهروندی به گونه‌ی برابر و مساویانه برخوردار شدند و در دو دهه‌ی گذشته ارزش‌های مدنی و شهروندی شکل گرفت و به بلوغیت رسید و افغانستان امروزه را نیز به هیچ وجه نمی‌توان با کشوری ویرانه و فراموش شده‌ی دو دهه‌ی پیش مقایسه کرد.

آزادی بیان و فعالیت گسترده‌ی رسانه‌های آزاد، چرخش اقتصاد و فراهم شدن زمینه برای تجارت ملی و بین‌المللی، بازسازی و نوسازی، فراهم شدن زمینه‌ی آموزش و تحصیل برای جوانان دختر و پسر، شکل گیری و فعالیت صدها نهاد جامعه‌ی مدنی، برگزاری انتخابات‌های آزاد (ریاست جمهوری، پارلمانی، شوراهای ولایتی) حق رأی مساویانه‌ی زن و مرد در انتخابات‌ها، رشد بی‌پیشینه‌ی هنرهای هفت‌گانه، رونق گرفتن بازار کار برای مردم، رشد تجارت زنان و افزایش زنان تجارت پیشنهادی در ولایات مختلف، مهیا شدن زمینه برای فعالیت شبکه‌های مخابراتی و سراسری شدن اینترنت در کشور، رشد روز افزون زراعت به شکل معیاری و رونق گرفتن بازار کار دهاقین و باغداران، گسترش صادرات افغانستان به بازارهای بین‌المللی و ... از مهم ترین دستاوردهای به شمار می‌روند که طی دو دهه‌ی گذشته شهروندان افغانستان از مزایای آن مستفید شدند و همه‌ی این دستاوردها با گذشت هر روز همچنان گسترده‌تر شده و مردم در کنار دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای رفاه زنده‌گی خود و آبادی کشورشان گام بر می‌دارند.

در این میان نقش کلیدی و اساسی را در شکل گیری و نهادینه شدن همه‌ی ارزش‌ها و دستاوردها، نیروهای قهرمان دفاعی و امنیتی کشور بیشتر داشته اند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. زیرا هر برنامه‌ای که در زیر سایه‌ی امنیت عملی می‌شود و اگر امنیت و نظم تأمین نشود، هیچ طرحی به مرحله‌ی عمل نمی‌رسد، تأمین امنیت و نظم در جامعه مسؤولیت و مکلفیت نیروهای شجاع دفاعی و امنیتی افغانستان است که با زحمات شبانه‌روزی شان این وظیفه‌ی مقدس را صادقانه انجام داده و همچنان به ادامه‌ی آن متعهد استند.

افغانستان که با کوله‌باری از دستاورده و پیشرفت در زمراهی دیگر کشورهای جهان قرار دارد و هر شهروند افغان به آن افتخار می‌کند، نتیجه‌ی تلاش، جان فشانی و قهرمانی‌های نیروهای دفاعی و امنیتی است.

امروز نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان نه تنها در قلب هر شهروند افغان جای دارند، بلکه جامعه‌ی جهانی و کشورهای حامی افغانستان نیز به توانایی‌ها و مسلکی بودن این نیروها افتخار می‌کنند و تأکید دارند که با حضور آنان در دفاع از افغانستان و دستاوردهای دو دهه‌ی گذشته، این دستاورها محفوظ و به دور از خطر خواهند بود.

بدون تردید شهروندان افغانستان نهادینه شدن دستاوردهای امروزی را مدیون جان فشانی‌ها و قهرمانی‌های نیروهای شجاع دفاعی و امنیتی شان می‌دانند و برای یک افغانستان متحد، آباد و آزاد که همه‌ی مردم خود را در آن سهیم می‌دانند در کنار سربازان شان خواهند ایستاد.

پوهنیار سمونوال نجمان مسعودی، رئیس عمومی حقوق پولیس:

## پولیس از بین مردم بر خاسته و به هدف خدمت به مردم وظیفه اجرا می کند

به تأسی از اجرای وظایف قرار می گیرند مورد تدقیق و بررسی قرار داده، پس از تأیید و یا رد به مرجع اصلی اش محول می نماید. به ارتباط مساعدت های حقوقی منسوبین پولیس که در قضایای جرمی، تحت اتهام و سوء ظن قرار می گیرند در روشی قوانین مرتبط مساعدت های حقوقی را انجام می دهد. همچنان به منظور تحکیم حاکمیت قانون با در نظر داشت اولویت های مقام محترم وزارت امور داخله، مسؤولیت تدویر کورس ها و سeminar های آموزشی حقوقی را به عهده دارد تا منسوبین پولیس در مرکز و ولایات از قوانین و مقرره ها آگاهی حاصل نموده و اجرات شان در مطابقت به قوانین نافذه کشور باشد.

- اوامر، هدایات، مصوبات و طرز العمل های واصله از مقامات محترم رهبری وزارت امور داخله و سایر ادارات مرتبط بعد از ثبت و راجستر به دفاتر مربوطه به قدمه ها و مراجع تحت اثر ارسال و از تحقق آن به وقت و زمان معینه گزارش مطالبه می گردد.  
- کارشناسی اسناد تقنی، مرور و بازنگری قوانین، مقرره ها،

مصطفی کننده: ننگیابی اچکزی  
س: در مورد ریاست حقوق پولیس، مسؤولیت ها و مکلفیت های این اداره که در چارچوب وزارت امور داخله دولت جمهوری اسلامی افغانستان، فعالیت می کند به خواننده گان ما معلومات بدھید؟

ج: ریاست عمومی حقوق پولیس یگانه مرجع تقنی و حقوقی در سطح وزارت امور داخله دولت جمهوری اسلامی افغانستان است که در چهار بخش حقوقی اجرات می نمایند.

عموم اسناد تقنی از قبیل (طرح تعديل، ایزاد، حذف و لغو برخی از احکام قوانین) و طرح ضمیمه قوانین، مقرره ها، مسوده فرامین، اساس نامه ها، لوایح و طرز العمل ها را بازنگری نموده و در روشی احکام قانون اساسی و سایر قوانین مرتبط، کارشناسی و ابراز نظر می نمایند. با در نظر داشت حکم (۱۳۳) مورخ ۱۱/۱/۱۳۹۸ مقام عالی ریاست جمهوری ا.ا. دوسيه های نسبتی منسوبيين پوليس را که در قضایای جرمی تحت اتهام و سوء ظن

- ترتیب پلان‌ها غرض تدویر کورس‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارهای آموزشی حقوقی در مرکز و ولایات.

- تطبیق پلان استراتیژیک وزارت امور داخله. همچنان برگزاری کورس‌ها و سمینارهای حقوقی به سطح مرکز و ولایات جهت آموزش‌دهی منسوبین پولیس از قوانین و مقررهای و سایر موضوعات حقوقی از دیگر مسئولیت‌های ریاست عمومی حقوق پولیس می‌باشد.

س: پولیس ملی افغان با گذشت هر سال مسلکی ترشده است، سطح قضایی حقوقی مربوط به پولیس نسبت به سال‌های گذشته چگونه است؟

ج: در این شکی نیست که پولیس ملی نسبت به گذشته مسلکی ترشده است، اما وضعیت سیاسی کشور در عرصه اجراءات پولیس تأثیرات بسیار زیاد داشته و اکثراً فعالیت‌های پولیس را تحت تأثیر خود قرار داده، ولی باز هم پولیس قضایی حقوقی را در پرتو احکام قوانین مورد بررسی قرار می‌دهند، اگر صرفاً وظایف پولیس مطابق به لایحه وظایف آن که عبارت از تأمین امن و نظم عامه و مبارزه علیه پدیده‌های جرمی می‌باشد، فعالیت نمایند که به‌شکل اساسی می‌تواند به قضایی حقوقی رسیده‌گی کنند.

س: در مورد رسیده‌گی به قضایی حقوقی اگر بیشتر معلومات بدھید که در یک سال گذشته چه تعداد قضایی حقوقی از سوی ریاست حقوق پولیس در مرکز و ولایات ثبت شده و از این میان به چه تعداد دوسيه‌ها در سطح مرکز و ولایات رسیده‌گی شده است؟

ج: در یک سال گذشته به تعداد ۱۳۷۷ جلد دوسيه‌ی قضایی مختلف نسبتی منسوبین پولیس پس از تدقیق، بررسی تأیید و رفع خلاعه دوباره به مراجع مربوطه ارسال شده است، از این جمله به تعداد ۳۱۳ جلد دوسيه آن مربوط به قضایی اداری بوده که عنده‌الوصول تحت تدقیق و بررسی قرار گرفته و دوباره به مراجع ذیربیط محول گردیده است.

س: یک اداره به نام «ریاست حقوق بشر، امور زنان و اطفال» در چارچوب ریاست عمومی حقوق پولیس فعالیت می‌کند، در مورد فعالیت‌های این اداره در سطح مرکز و ولایات به صورت مختصر معلومات بدھید؟

ج: ریاست حقوق بشر مطابق به پلان استراتیژیک وزارت امور داخله اهداف ذیل را دنبال می‌نماید؛ حمایت و پشتیبانی از پولیس زن، کنترول و نظارت از چگونگی وضعيت حقوق بشری در سطح قوای پولیس، تسريع پروسه‌ی جلب و جذب بانوان، پیگیری راپورها و رسیده‌گی به شکایات، تحلیل و ارزیابی عوامل نقض و تخطی‌های حقوق بشری بهخصوص زنان و اطفال و جلوگیری از استخدام اطفال در صفوف پولیس از مسئولیت‌های عمدۀ ریاست حقوق بشر، امور زنان و

طرز‌العمل‌ها، لوایح و سایر اسناد.

- کارشناسی اسناد بین‌المللی از قبیل تفاهم‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها، پروتوكول‌ها و قراردادها.

- مشوره دهی حقوقی به اساس هدایات مقام وزارت امور داخله به سایر ارگان‌های مختلف.

- مشوره دهی حقوقی به ادارات مربوط به وزارت امور داخله، منسوبین برحال و متقدیین، ورشه‌ی شهدا و سایر موارد دیگر. همچنان دوسيه‌های نسبتی منسوبین پولیس، قرارها، جلب‌ها، عرایض و شکایات که از طریق اداره‌ی محترم خارنوالی و ادارات کشفی مواصلت می‌ورزد پس از تدقیق و ابراز نظر طبق حکم (۱۳۹۸/۱۱/۱۱) مقام عالی ریاست جمهوری ۱.۱. به مرجع مربوطه ارسال می‌گردد.

- اشتراک در جلسات وزارت محترم عدليه و سایر نهادهای دولتی به اساس تقاضا و هدایت مقام محترم وزارت امور داخله. تدقیق و ابراز نظر پیرامون دوسيه‌های واصله در مطابقت به حکم شماره ۱۳۹۸/۱۱/۱۱ مقام عالی ریاست جمهوری ۱.۱.

- اجراءات پیرامون قرارهای گرفتاری و جلب‌های مرتبط به منسوبین پولیس که از اداره‌ی محترم لوی خارنوالی جهت تطبیق مواصلت می‌ورزد.

- رسیده‌گی قانونی و اصولی به عرایض و شکایات اشخاص که به ارتباط منسوبین پولیس از مراجع مختلف مواصلت می‌ورزد.

- اشتراک در جلسات عدليه و قضایی به منظور مساعدت‌های حقوقی منسوبین پولیس.

- تأمین هماهنگی غرض ارایه‌ی مساعدت‌های حقوقی وزارت محترم عدليه و ریاستهای عدليه ولایات.

- ایجاد زمینه‌ی ارتقای سطح دانش حقوقی منسوبین ریاست عمومی حقوق و مدیریت‌های حقوق پولیس قوماندانی‌های امنیه ولایات.

- مطابق ماده ۳۱ قانون اساسی فراهمن نمودن مساعدت‌های حقوقی برای منسوبین پولیس که تحت مظنونیت قرار می‌گیرند.

- رسیده‌گی به عرایض و شکایات منسوبین پولیس.

- تطبیق قوانین، فیصله‌ها، هدایات، اوامر، طرز‌العمل‌ها، پالیسی‌ها و دایرکتیف‌های منظور شده وزارت امور داخله با در نظر داشت لایحه وظایف و صلاحیت کاری.

- تنظیم و جستجوی راه کارهای دقیق غرض ارتقاء سطح دانش حقوقی منسوبین پولیس ملی.

- کنترول و نظارت از چگونگی تطبیق پلان‌های منظور شده آموزش‌های حقوقی در سطح مرکز و ولایات.

- ترتیب پلان‌های تعلیمی حقوقی در روشنی پلان استراتیژیک مقام وزارت به‌شکل ماهوار، ربعوار و سالانه پس از منظور شد مقام محترم وزارت جهت تحقق آن به مراجع.

اطفال وزارت امور داخله می باشد.

س: همکاری مردم در راستای تأمین امنیت و نهادینه شدن مسائل حقوق شهروندی و تطبیق قانون با پولیس در چه سطح است؟  
ج: پولیس از بین مردم برخاسته و به هدف خدمت به مردم وظیفه اجرا می کند، بدون همکاری مردم و جامعه نمی تواند اجرات دقیق و به موقع نماید، بنابر این همکاری مردم همراه با پولیس بسیار کم می باشد، ولی باز هم پولیس شبانه روزی تلاش خوبیش را منحیت نگهبان شهر بدون خستگی به شکل دوامدار انجام می دهد و در تأمین امن و نظم عامه و مبارزه با پدیده های جرمی فعالیت دارد.

س: ریاست حقوق پولیس جهت رسیده گی بهتر به قضایا و دوسيه های حقوقی مربوط به پولیس، در آينده چه برنامه های روی دست دارد؟

ج: در آينده کوشش می نماییم مطابق به اصل حاکم حقوقی در این راستا به خاطر بهبود کار و رسیده گی بهتر به دوسيه های

نسبتی، يك سلسله مقررات (طرزالعمل) را تدوین نماییم.

س: خواست تان از مردم در رابطه به همکاری با پولیس ملی، جهت تأمین بهتر امن و نظم و تطبیق قانون در جامعه چیست؟

ج: پيشنهاد و خواست ریاست حقوق پولیس از جامعه و مردم باعزم افغانستان این است تا از قوانین نافذه کشور پیروی نمایند و هم چنان با پولیس ملی خود همکار باشند، تا بتوانیم

که جامعه سالم و عاری از جرایم داشته باشیم.

س: در هر حوزه امنیتی پولیس، بخش حقوق بشر امور زنان و اطفال هم فعالیت دارد، کار این بخش عمدتاً چیست و به چه تعداد کارمند در این بخش مصروف خدمت به مردم استند؟

ج: مسئولین حقوق بشر در سطح حوزات امنیتی و ولسوالی های درجه اول موجود بوده و عمده ترین فعالیتشان رسیده گی به مشکلات طبقه ایان، رسیده گی به قضایای خشونت علیه زنان، کنترول و نظارت از جزو تامها و نظارت خانه ها، رسیده گی به شکایات آزار و اذیت، نظارت از عملکرد پولیس به منظور جلوگیری

از نقض حقوق بشری و همچنان امور يومیه می باشد.

س: يك بخش عمده رسیده گی به قضایای حقوقی مربوط به پولیس زن در حوزه های امنیتی پولیس ملی در سطح شهر کابل به خواننده گان مجله پولیس زن معلومات بدھید؟

ج: فلسفه وجودی کارمندان بخش حقوق بشر در حوزه های امنیتی بر علاوه وظایف فوق جلب اعتماد مردم به خصوص خانم ها به پولیس است؛ به این معنی که اگر يك خانم می خواهد شکایت خود را به ارگان پولیس درج نماید، ابتدا با يك منسوب انشایه مواجه می شود و تمام مسائل را راحت تر می تواند بیان کند و فعلاً تعداد ۳۶ بست در سطح قومانداني امنیه ولایت کابل با حوزه های امنیتی و ولسوالی های درجه اول آن موجود بوده که تمام این بستها P3 (مختص به طبقه ایان) استند.





# د بھرنیو چارو وزارت: ملي پولیس د ملګرو ملتونو د عمومي منشي له بدنام لپست خخه لري شوي دي

مرسل سپهر

منشي ځانګړې استازې ليلا زورگې له افغانستان سره ژمنه کړې ووه چې د دغه هبود امنیتی ځواکونه به له دې لپست خخه لري کړي. دا ژمنه شاوخوا شپږ کاله وروسته عملی شو. د بھرنیو چارو وزارت د ملګرو ملتونو دې اقدام هرکلی کوي، یاد وزارت اوس هيله خرګنده کړې چې بھرنی هبودونه او نړیوال بنستونه د سياسې او اقتصادي بندیزونو پرمت په وسله والو مخالفینو او نورو وسله والو دلو باندي فشار راوړي؛ ترڅو هغوي په خپلولیکو کې د کم عمره اشخاصو له جذب خخه مخنيوي وکړي.

د بشري حقوقو فعالان چې مرکز بې نیویارک کې ۵۵، په ۲۰۱۶ م کال کې اعلان کړې وو، چې طالبان ۲۰۱۵ م کال له نیمايې خخه را په دېخوا په خپلولیکو کې له کم عمره ماشومانو خخه د جګړې په دګر کې ګته اخلي؛ مګر طالبانو دې راپور موندنې رد کړې او په جنګ کې بې د ماشومانو کارول د خپلولیکو خلاف ولل. لسګونه راپورونه ورکړل شوي چې ترهګریزې ډلي په جګړه کې له ماشومانو خخه د سرتیرو په توګه کار اخلي.

د افغانستان حکومت هم خو خله د هغو کم عمره خانمرګو برید کونکونو د نیولو خبر خپور کړي، چې د ترهګریزو دلو لخوا يې زده کړې لېدلې وي.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت د تولو کنوانيونو او نړیوالو موافقاتو په مراجعت کولو سره د امنیتی او دفاعي ځواکونو لیکو ته د ماشومانو له داخلېدو خخه ډډه کړې او د ماشومانو د حقوقو تأمینولو لپاره ځان مسؤول ګئي؛ مګر ترهګریزې ډلي په سلګونو کم عمره ماشومان استخدامي او د جګړې په لیکو کې ورڅه ګته پورته کوي.

د افغانستان د اسلامي جمهوريت د بھرنیو چارو وزارت اعلان وکړ، چې د ملګرو ملتونو د عمومي منشي له بدنام لپست خخه د افغان ملي پولیس د اپستولو هرکلی کوي، چې له ۱۸ کلونو خخه د کم عمر لرونکو کسانو د شتون له امله شامل وو.

د بھرنیو چارو وزارت لخوا په خپاره شوي راپور کې راغلي چې د ماشومانو او نظامي شخرو په اړه د ملګرو ملتونو د عمومي منشي ګلنې راپور د ماشومانو استخدام د مخنيوي او د ماشومانو پر وړاندې د تاوتریخوالي د کمولو لپاره د افغانستان د ملي پولیس کاري پلان بریالۍ ياد کړي.

د دې وزارت په خبر پانه کې ټینګار شوي، چې له یاد لپست خخه د ملي پولیس د نوم اپستول د ملي پولیس په لیکو کې د بریالۍ تګلارې د پلي کولو او د هېواد په امنیتی ځواکونو کې له اتلس خخه د کم عمره اشخاصو له ګمارلو خخه د مخنيوي له امله شوی ۵۵.

خبر پانه کې زياته شوي، چې یاد پرمحظګ د بشري حقوقو نړیوالو ارزښتون او بنې حکومتولی ته د افغان حکومت ژمنتیا خرګندي. په ۲۰۱۰ م کال کې، د هېواد د وسله والو ځواکونو په لیکو کې د ۱۸ کلونو خخه د کم عمره اشخاصو د شتون له امله ملګرو ملتونو دا ځواکونه په خپل بدنام لپست کې شامل ګړل.

په ۲۰۱۵ م کال کې، د بھرنیو چارو وزارت وویل چې د هېواد د امنیتی ځواکونو په لیکو کې د کم عمره سرتیرو شتون په شدت سره ګم شوي، له دې سره ملګري ملتونه بايد افغان امنیتی ځواکونه له دې «بدنام لپست» خخه لري کړي. هغه وخت په وسله والو جګړو کې د ماشومانو لپاره د ملګرو ملتونو د عمومي

# امتیاز کلانی که دشمن برای ما می‌دهد



معین اسلامپور

ایالات متحده و نیز پس از توافقنامهٔ دوحه (دهم حوت ۱۳۹۸) نمود. نیز طالبان از کشتن و حملات انتحاری و انفجاری علیهٔ خارجی‌ها دست کشیدند و تمام تمرکز حملات انتحاری و انفجاری را بر نیروهای دولتی نمودند، بیش از پیش هویت و تفکر طالبانی، ایدیولوژی آنان نزد همهٔ گان حتی فریب خورده‌های ایدیولوژیک هم بر ملاشد. زیرا رویکرد آن‌ها در تناقض آشکار با اعتقادات و باورهای کاذب که به‌خورد مردم عادی و توده‌های عوام می‌داده‌اند. حتی شبانِ صحرا هم پشت و سایه‌ی تاریک و پنهان بازی طالبان را خواند و درک کرد که جنگ افغانستان چه قدر مشروعیت دارد، طالبان برای چه می‌جنگند؟

در توافقنامهٔ دوحه ضمن این که نقاب از چهرهٔ طالبان در افتاد، بهشت نیز از مشروعیت مذهبی و توجهات گوناگون سود محورانهٔ مذهبی، و شعارهای جهاد طلبانه فروکاست. پس از امضای این توافقنامه، نیات و اهداف شوم آنان آشکار و از همه مهم‌تر این که توافقنامه با توجه به بستر بدیعی که آنان از نیروی‌های بومی و توده‌های عوام به‌هانه‌ی جهاد سربازگیری می‌نمودند از طالبان مشروعیت زدایی نمود.

رهایی بیش از پنج هزار زندانی طالبان از بند دولت، میزان صداقت، راستی طالبان را نسبت به پروسهٔ صلح و خیراندیشی، امنیت سراسری آفتابی نمود، این گروه اصلاً نه تنها با هیچ یکی از مولفه‌های صلح باورانه و خیراندیشانه، صادق و یک‌رنگ نیستند.

گروه طالبان با جنگ و خشونت گستردۀ سال‌ها مردم را از خود رانده‌اند و مرگ هر انسان این سرزمین دیوار پولادین میان اهداف و خواسته‌های این گروه قرار گرفت. این محاسبه، یک محاسبهٔ منطقی و عقلانی است. شاید طالبان بتوانند یک‌سر ولایتها و شماری از ولسوالی‌ها را در هماهنگی و همسویی با استراتژیست‌های پاکستانی تصرف کنند، اما سقوط و تصرف کامل و یک‌دست افغانستان دشوار و غیر ممکن است.

آن‌چه در دو ماه پسین شهروندان افغانستان تجربه نموده‌اند، همه شاهد تحولات و تهاجم گستردۀ طالبان بوده‌اند، اما دفاع جانانهٔ ارتش به‌وضوح نشان داد که نیروهای امنیتی کشور با چراغ امید و روشنایی در دل تاریکی‌های مخفوف و ترسناکی را که این گروه وحشی ایجاد کرده بودند، پاس‌داران کشور سرسختانه و جسوارانه از کشور و مردم دفاع نموده‌اند.

رویکرد دفاعی نیروهای امنیتی در فرایند خروج حضور ناتو به‌ویژه ایالات متحده‌ی امریکا در دل فرد فرد از شهروندان امید دوباره بخشید، مردم نسبت به نیروهای دفاعی و امنیتی اعتماد بی‌پیشنه کرده‌اند که این نیروها از جغرافیای افغانستان و مردمش می‌توانند دفاع و پاس‌داری نمایند. اما بر مصدق گزینش عنوان فوق دشمن چند امتیاز کلانی را که خیلی ارزش‌مند محسوب می‌گردد، برای ما و گروه‌های عدالت‌محور و آزادی خواه داد که با شرح ذیل می‌توان این امتیازات را فهرست نمود:

بر بنیاد تعاملات منطقه‌یی و چانه‌های سیاسی، طالبان با



قدرتمند و سبز مردمی را نداشت که این کار با هزینه‌های کلان ناممکن و خیلی دشوار بود. تا مردم این گونه خود جوش بسیج و آماده مقابله و در نبرد با طالبان شوند؛ خوش‌بختانه امروز تمام طیف‌ها و گروه‌های قومی با یک‌صدا علیه‌ی طالبان، تفنگ برداشت و در کنار نیروهایی دفاعی و امنیتی ایستاده‌اند و مقاومت می‌نمایند.

باتوجه بر موارد بالا، گروه طالبان با عمل کرد خودشان توده‌ها را تنلگر بیدار باش داد و این موجب بسیج همه‌گانی و موج از مقاومت و ایستاده‌گی گردید. از این‌رو نباید نگران بود، رویکرد خشن دشمن سفاک با وجود ریسک‌های مالی و جانی، پیامدهای مشیت و بازدارنده‌ی را در مسیر پیش‌رفت طالبان خواهد بود. این همه موج پُر قدرت از حسن‌نیت نیست، بل از ترس و توهی است که مردم را نگران کرده است. این نگرانی سبب ایجاد موج‌ها و خیزش‌های مردمی علیه‌ی طالبان شده است که همه ریشه در عمل کرد طالبان دارد.

اگر طالبان با مردم کنار نیایند و از خشونت بی‌سابقه دست نکشند با خیزش‌ها، موج‌های گسترده، سرکش و عصیان‌گر جدی‌تر از این مواجهه خواهند شد. هم‌چنان عقبه‌های حمایتی و نیابتی آن‌ها در جنگ‌های فرسایشی و دوامدار، عقب‌نشینی خواهند نمود. دیگر آماده‌ی تمویل و تجهیز طالبان به سان‌کشور حامی درجه یک «پاکستان» از آنان به دلیل جنگ فرسایشی، پر هزینه و بی‌نتیجه ماندن آن‌ها در میدانِ محاربه، مانند برخی مهره‌های سوخته‌ی پیشین، حمایت خواهد کرد. زیرا نبرد فرسایشی خیلی کمرشکن و طاقت فرسا است و پرداخت هزینه‌ی آن، برای عقبه‌های «سیاسی، نظامی» طالبان، ریسک‌آور خواهد بود. چیزی که آن‌ها خود می‌دانند و بار بار تجربه کرده‌اند.

بل همه‌ی ارزش‌های اسلامی که در پیوند به مسیر تاریخی صلح خواهی وجود دارد نفی نموده و آنان را از شعارهای جهادیستی و مذهبی، سال‌ها فاصله داد و نفرت و انگیزه‌ی جدی را علیه طالبان در میان افکار عامه به وجود آورد.

عدم رعایت اخلاق جنگ در میدانِ محاربه، میزان فهم دینی، خرد و عقلانیت نظامی، اخلاق اسلامی، دانش مذهبی و فقهی طالبان را بادرنظرا داشت توصیه‌ها و آموزه‌های اسلامی نشان داد که آنان چه قدر از دین اسلام می‌فهمند؛

عقبه‌های حمایوی، بازداشت شدن جنگ‌جویان خارجی «پاکستان، اعراب و ...» بهشت بذر بی‌اعتمادی را در دل و خاطره‌ی جامعه‌ی جهانی و هم دولت کاشتند که این گروه حتی بر مصداق آموزه‌های دینی که خود شعار می‌دهند عمل نمی‌کنند، رویکرد رفتاری آنان استوار به خدعا و نیرنگ است و قطعاً به همه دروغ می‌گویند و تا رسیدن به قدرت، ظاهر آرایی و برخورد ابزاری می‌نمایند.

تشدید جنگ‌ها، حملات خونین دو ماه پسین، چهره‌ی نقابین طالبان را فاش کرد. پروسه‌ی صلح یک رویکرد کاذب و فرصت طالبان، برای طالبان است. آن‌ها به دنبال جنگ و خشونت و تصاحب کامل قدرت آن‌هم از راهی منطق زور و تفنگ‌اند و به صلح و گفتمان ملی باور و ایمان ندارند.

حملات گسترده و عمل کرد طالبان بدون هیچ انگیزه و کار سیاسی، نظامی، همه‌ی مردم کشور را به سر یک نتیجه‌ی کلی و نهایی رساند که این گروه، اهل تساهل و تسامح نیستند، طالبان دور اول با طالبان دور دوم هیچ گونه تقاؤت و تفکیکی ندارند. هر دو، دو روی یک سکه‌اند، آن‌ها با عمل کردن مردم را آن‌چنان بسیج نموده‌اند که کسی اصلاً انتظار یک چنین حضور



# د یوه مشخص دبمن پروراندې د ملي

## پاخون رامینځته کولو ته اړتیا

احمدشاه استانکزی ◇

د افغانستان دبمن هره ورخ د دې خاورې د خلکو تر منځ د لوی تولنیز وېش او د خلکو تر منځ د واتن پیدا کولو په لټه کې دی او داهځي د هغود وېږي له امله دی، د افغان ملت یووالۍ او اتحاد د دبمنانو په زړونو کې سخت تاثیر لري. د افغانستان دبمنان تاریخ نه پېښني او په دې پوهېدلې دی، چې که چېرې د دې هپواد رینښتینې خلک په ملي کچه سره یوځای شي، نو دا به د وسله والو ترهګرو او کومې بلې ناروا ډلي د پای په معنا وي. افغانستان کې د یوه واحد دبمن پر وړاندې ملي خوښست د تاریخ په اوردو کې شتون درلوود، هرکله چې د افغانستان خلک څان د یوه واحد دبمن په مقابل کې ویني، دوی د یوبل سره د مرستې لپاره سره یوځای شوي او یوبل ته یې د وروري لاس ورکړي، کله چې په یوه صف کې د دبمن پروراندې ودریدلې، هر خل دوی د الهي نصرت سره په تولو مبارزو کې بربالي شوي دي. اوس هم د شوروی اتحاد پروراندې د وروستي ملي خوښست نښې د افغانستان په هرځای کې لبدل کېږي. هغه ملي خوښست چې د یوه لوی متعدد دبمن د ماتې لامل شو، داسي ملي خوښست چې پکې د دې خاورې هر فرد پرته د توکم، مذهب او موقعت په پام کې نیولو سره پکې برخه اخیستې و او یوازې یې یوه موخه درلووده چې هغه هم د دبمن ماتول وو.

پدي کې هیڅ شک نشه چې زموږ جغرافیه له خپلو سختو ورڅو خخه تېربوي. جګړې د ټولنې دېږي ستني کمزوري کړي دي او د خلکو هوسا ژوند یې دېږي ستونزمن کړي ده؛ مګر دا په تاریخ کې لومړي خل نه دي، چې افغانستان له دومره لوی او دردونکي حالت سره مخ شوی دي؛ بلکې دې جغرافیې له کلونو راهیسې له دېږو یړغلګرو سره مبارزه کړي ده، چې پایله کې یې هر یوه یړغلګر ته غابن ماتونکي خواب ورکړي دي.

افغانستان د تاریخ په اوردو کې دې سختو شبو او ورڅو شاهد وو او د تاریخ هر پانه یې د دې شاهدې ورکوي چې دا هپواد تل له کونیسو او بهرنیسو دبمنانو سره په مبارزه کې بوخت ده. ورځې تېږي شوې، وخت تعییر شو او کله ناكله دا هپواد تېږي شوې هم دي؛ مګر هیڅکله یې چاته سر تیټ نه کړ؛ ځکه چې د هندوکش د غره په څېر غیرت یې په وجود کې دی او میشتو افغانانو خپل وطنپالنه او ایمان تل په جرات او قوی اعتماد سره ثابت کړي او یړغلګرو ته یې تل سخت خواب ویلې دي.

دې جغرافیې کې د دبمنانو پروراندې د مبارزې او اتلولې دېږي کيسې لوسټلى شو، داسي کيسې چې د بربا او قربانې خخه ډکې دی او د یړغلګرو پروراندې یې د بربا او لامل یوازې یو خیز دی، ملي یووالۍ.





قوماندي پر مې سخت گذار ورکړي.  
 دا فعالیتونه باید د نظامي اصولو او اخلاقو په یوه ځانګړي چوکات کې د دولت د تجربه لرونکو نظامي قومندانانو ترقوي نظارت او همکاري لاندې ترسره شي. هغه غښتلي خلک چې وسله پورته کوي او غواړي چې د دېمن پپوراندې وجنګړي، د هېواد له هرڅای خخه د حکومت په ګټه غږ پورته شي او د ملي ځواکونو سره په ګډه د دېمن پپوراندې درېږي. له یوې خوا، دا له روانې پلوه د طالبان او نورو ډلو پپوراندې د مبارزې په لاره کې د افغان ځواکونو لیکې پیاوړي کوي او د دېمنانو په زړونو کې وبره رامینځته کوي او له بلې خوا په نظامي توګه د ترهګريزو ډلو د هغود دفعاليتونو د پرمختګ مخه نيسې چې دوي یې په خپلوا کليو کې د ملي ځواکونو د نشتون خخه په استفادې ترسره کوي د ستایلو وردي. پدې کې شک نشه چې د افغانستان اتباع به تل د دېمن پپوراندې د خپلوا ملي امنيتي او دفاعي ځواکونو اتلولۍ او زړورتیا په ياد ولري او د دې ځواکونو خخه منندوي وي. د خلکو پراخ ملاتې او دریغ دا نسبې چې سرتیري د همدي خلکو خخه دي. دېمن باید پوه شي چې هغه د خلکو په مینځ کې هیڅ ځای نلري، یوازنې لار چې هغه د ژوندي پاتې کبدو لاره د هغه سوله یېز ژوند غوره کول دي، چې هر افغان د دې ناوړه جګړي د پاي ته رسپدو غوبښونکي دي؛ مګر که چېږي د تاوتریخوالی او جګړي لاره غوره کړي له افغان زپورو سرتیرو سره به مخ شي چې د دې خاورې اصيل بچیان دي او سرېره پردې، تول خلک باید د وطن او ځمکنۍ بشپړتیا په دفاع کې د دې ځواکونو ترڅنګ ودرېږي، چې هیڅکله به دېمن د بريا چانس ترلاسه نه کړي؛ بلکې افغان امنيتي ځواکونه به تل د میدان ګټونکي وي.

په داسې وخت کې چې افغانستان له سختو ستونزو سره مخ دي او یو شمېر ولایتونو کې ځينې ولسوالۍ هره ورڅ د وسله والو طالبانو او نورو ترهګرو لخوا له سختو بریدونو سره مخ دي، طالبان ورڅ تر بلې خپلې پلان شوې جګړي ته زور ورکوي او پرته د انساني يا هم بشري حقوقو د ارزښتونو په پام کې نیولو سره دوی ځانګړي قتل عام ترسره کوي. په هرصورت، د دې خاورې زپور سرتيري له دې تروریستي ډلې او د دوی د نورو بهرنېو متدينو پپوراندې جنګړي. اوسمهال د یو واحد او بريالي صف ځای خورا خالي دي او دا صف بل څنه؛ بلکې یوازې ملي خوښت دي.

د وسله والو ډلو پراخ شتون چې له ملي ځواکونو سره په ليکو کې د نورو وسله والو پر وراندې جنګړي او د خپلې خاورې دفاع کوي په هېواد کې ورڅ پر ورڅ مخ په ډېرې ډو دي او دا دېمن پر وراندې د ملي پاخون لپاره لومړي اقدام دي.

هغه څه چې مهم او حیاتي دي د دې دول قواوو ترمنځ نظم، د یوه مشخص فکر رامینځته کول او د دې ځواکونو ترمنځ د قوي اړیکې جوړول دي. د ملي پاخون تر نامه لاندې د خلکو د وسله وال ځواک رامینځته کول ډېرېن دي؛ مګر په اوړد مهال دول د دې ځواکونو بې نظمي د یوه مشخص دېمن پپوراندې د بريما امكان کموي او د دېمن پپوراندې د پراخه او سم مدیریت نشتون له امله ممکن ياد پاخون د جګړي له ليکو بهر شي.

له همدي امله اړتیا ده؛ ترڅو ژر تر ژره د ملي پاخون کونکو ډلې او مشران چې د هېواد په بېلا بېلو برخو کې فعال دي په خپلوا منځو کې غښتلي او منظمې اړیکې رامینځته کړي. یوه مشخصه او منظمه قومانده رامینځته کړي؛ ترڅو دېمن ته د یوې واحدې



# جایگاه زن در اسلام

پوهنیار سمومنل سید رفیق حکیمی

که اسلام، احترام ویژه‌ای برای زنان قائل است، زیرا اگر آیات قرآن را مورد بررسی قرار دهیم، به مقام و منزلت زن در اسلام پی‌خواهیم برد. مقام زنان در اسلام چنان است که در قرآن مجید، سومین سوره به نام آنان (النساء) نامیده شده است و در ده سوره‌ای دیگر از قرآن مجید مسائلی مربوط به حقوق و منزلت زنان بیان گردیده است و همه جا در خطابات عام قرآن، زنان مورد خطابند و غیر از این مورد، در بسیاری از مفاهیم قرآن می‌توان مطالبی درباره حقوق و منزلت زنان استنباط نمود. طوری که می‌دانیم پیش از اسلام هیچ قانونی از قوانین اجتماعات متمدن و بزرگ، درباره ارزش واقعی زن، اثر وجودی او و حفظ کرامات و حقوق

بدون شک اسلام نخستین مکتبی است که زن را به عنوان مهم ترین عنصر زنده‌گی و متمم حیات انسانی در مسائل اجتماعی و اخلاقی و قانونی خود جا داده است. درست در همان موقعی که دنیا در آتش جهل و ستم می‌سوخت و جوامع مختلف بشری گرفتار انحرافات گوناگون بوده‌اند، گروهی از افراد، زن را معبد خویش و جمعی او را حیوانی می‌پنداشتند و هرگونه تعدی را بر او روا می‌داشتند؛ پیامبر گرامی اسلام (ص) برای پایان بخشیدن به انحرافات، کجی‌ها و کجروی‌ها، پندارهای غلط و تجاوزات، از جانب خداوند متعال مبعوث شد، بر روی غلط‌های بشری خط بطلان کشید و راههای فضیلت و رستگاری را به آن‌ها نشان داد. شکی نیست



یاد می کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

همچنان خداوند متعال در جای دیگر قرآن مجید می فرماید: «و کسانی که کارهای شایسته کنند چه مرد باشد یا زن در حالی که مؤمن باشند آنان داخل بهشت می شوند و به قدر گردی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی گیرند».

**۵- ملکه ای هدایت:** از آیات قرآن استفاده می شود که ملکه ای هدایت که در سرش انسان به ودیعت گذاشته شده اختصاص به مرد ندارد بلکه زن را نیز در بر می گیرد، در این مورد خداوند متعال می فرماید: «ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و یا ناسپاس».

و نیز می فرماید: ترجمه: «سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد».

**۶- اهلیّت برای تعلّم:** زن و مرد هر دو برای فraigیری علم اهلیّت دارند. خداوند متعال می فرماید: «[خدای] رحمن قرآن را یاد داد. انسان را آفرید. به او بیان آموخت».

**۷- پذیرش امانت الهی:** زن و مرد از این جهت با هم شریک اند که اهلیّت برای تحمل امانت الهی را دارند. خداوند متعال می فرماید: «ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سر باز زند و از آن هراسناک شدن ولی انسان آن را برداشت...».

از آن چه گفته شد، می توان نتیجه گرفت که اسلام، با آن آیین مترقبی و پیشرفت‌هه خود، برای زن ارزش و احترام بسیاری قابل است. زن در مفهوم انسانیت با مرد هیچ گونه فرقی ندارد و مرد را بر او امتیازی نیست. زن، مانند مرد، عضو کامل جامعه است و شخصیت حقوقی مستقل دارد. زن در جامعه ای اسلامی برخوردار از استقلال فکری و اقتصادی است و در زنده‌گی خود، در تصمیم گیری آزاد است.

**محله اسلامیک ریویو** چاپ لندن می نویسد: «وضع اسلام در مورد زن از این لحاظ جالب است که اسلام در هزار و چهارصد سال پیش برای زنان حقوقی تثبیت کرد که زنان انگلستان فقط در نیمه اول قرن بیستم به وسیله طرحی که در پارلمان به تصویب رسید، از آن برخوردار شدند».

او تفصیلات فلسفی و روانی و مواد قانونی وجود ندارد. هیچ یک از آیات قرآن کریم که مردم را دعوت به تدبیر و تعقل در نظام آفرینش می کند، مخصوص بر مردان نیست، بلکه زنان و مردان را به طور برابر مخاطب قرار داده است. بررسی آیات قرآن کریم نشان می دهد که زن و مرد از نظر آفرینش، هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و همه‌ای انسان‌ها از هر صنف خواه زن و خواه مرد از یک ذات و گوهر خلق شده‌اند. با مراجعه به قرآن کریم پی می بریم که زن و مرد در امور مختلفی با یکدیگر مشترک بوده و در یک خط مساوی قرار دارند، در این مقاله به طور مختصر به برخی از این امور اشاره می کنیم:

موارد اشتراک بین زن و مرد

**۱- کرامت و برتری انسان بر بسیاری از مخلوقات:** انسان چه مرد باشد یا زن، بر سایر مخلوقات برتری دارد. چنانچه خداوند متعال در سوره اسراء آیه (۷۰) می فرماید: «ما اولاد آدم را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا، [بر مرکب‌های راه‌وار] حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کردیم برتری بخشیدیم.

**۲- دمیدن روح:** روح مرد و زن هر دو از جانب خداوند متعال دمیده شده است. خداوند متعال می فرماید: «سپس نسل او را از عصاره ای از آب ناچیز و بی قدر آفرید. سپس [اندام] او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید».

**۳- تقوا و پرهیزگاری:** در تقوا و پرهیزگاری، زن و مرد یکسان می باشد. چنانچه خداوند متعال در قرآنکریم می فرماید: «ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید، در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست، بی تردید خداوند دنای آگاه است».

**۴- رسیدن به مغفرت و پاداش الهی:** در رسیدن به مغفرت و پاداش الهی زن و مرد یکسانند. خداوند متعال می فرماید: «مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان



## د طالبانو لخوا د تاوتریخوالی ډپرېښت د

# څلکو په منځ کې د دوى د کرکي لامل شوي

◇ وحید الله مهممند

څلپ ملاتر له امنیتی او دفاعی ځواکونو خخه اعلان کړ. هغو ټینګار درلوډ چې د اړیا په صورت کې چمتو دي؛ ترڅو وسلې راپورته کړي او د ملي ځواکونو ترڅنګ د طالبانو پرواندي جګړه وکړي.

په همدي حال کې یو شمېر سیاسي کارپوهان په دې باور دي چې د ملي ځواکونو په جګړېزه ستراتیژي کې د ژور بدلون او سالم مدیریت په پایله کې کولای شو په راتلونکې کې د مثبت بدلون شاهدان واوسو.

سیاسي کارپوه على سجاد مولایي وايی: دا چې په امنیتی او دفاعی ادارو کې نوی گماننې ترسره شوی او نوی گمارل شوی اشخاص جنګي تجربې خخه هم برخمن دي، دوى کولای شي د وضعیت په بنه کېدو کې مههم رول ولري.

د جمهوري ریاست دویم مرستیال سرور دانش وايی: له دوو کالو راهیسي طالبان او د دوى ملاتري د سولې شعار پورته کوي او د همدي شعار او خينو هبودونو له امله په نړیواله کچه د یوه نسبی مشروعیت خخه برخمن شوي دي.

ښاغلي دانش په څلپ فیسبوک پاڼه کې خپور شوی پوست کې ويلي چې د سولې په مذاکراتو کې د طالبانو استازی نمایشي ګډون لري او ترا اوسه هیڅ ډول معنا لرونکې او ګټورې خبرې اترې ترسره شوی نه دي. هغه زیاته کړه ((ددې ادعای نکاره بلګه د جګړي او تاوتریخوالی زیاتوالی دي، په داسې حال کې چې بهرنی ځواکونه د وتلو په حال کې دي؛ نو لهذا د جګړي لپاره هیڅ بهانه نشتنه، مګر طالبان او ملاتري یې د شرم او حیا درلوډو پورته خپلې جګړي د فتحې په نوم سره یاده وي او دې په لته

د طالبانو له لوري د جګړي زیاتوالی او د دوى لخوا د ولسواليو سقوط کېدل د چارواکو او بناريانيو له غږگون سره مخ شوي دي. د جمهوري ریاست دویم مرستیال سرور دانش وايی چې له دوو کالو راهیسي طالبان او د دوى ملاتري د سولې شعار پورته کوي او د همدي شعار او خينو هبودونو له امله په نړیواله کچه د یوه نسبی مشروعیت خخه برخمن شوي دي.

د طالبانو لخوا د جګړي او تاوتریخوالی سره همهاله د جمهوري ریاست په امنیتی او دفاعی ادارو کې د بنه مدیریت لپاره نوی گماننې رامنځته کړي چې یادې گماننې د جګړي د کموالي لامل شوی دي. د طالبانو بريدونو او د ملي ځواکونو د تکيکي شانګ له امله یو شمېر ولسواليو کې زړګونه کورني د خپلو کورونو او سيمو پرېښدو ته اړ شوی. سربېره پر دې، د طالبانو بريدونو ملکيانو او دولت ته دېر مالي زيان هم اړولي دي. د طالبانو له لوري د بريدونو دوام او د دې دلي لخوا د عامه تأسیساتو ويچارول او د سيمې څلکو بیڅایه کېدل د دې لامل شوی چې د یو شمېر رهبرانو سیاسي خوځښتونه، د ولسي جرګې استازې او ملكي پاخون کوونکي د امنیتی او دفاعی ځواکونو د ملاتر لپاره سره یوځای شي؛ ترڅو د طالبانو پر وړاندې وجنګېږي. له بلخ خخه تر تخار او له ننګههار خخه تر هرات پورې څلکو له ملي ځواکونو خخه څلپ ملاتر اعلان کړ او د دې ځواکونو د ملاتر لپاره یې ولسي راپورته کړي.

په ولسي جرګې کې د بلخ استازې عباس ابراهيم زاده د خپلو لسګونو پلويانو سره یوځای د طالبانو په مقابل کې د جګړي چمتوالۍ بنودلی. همدارنګه په جوزجان کې یو شمېر مېرمنو



یاد کمیسیون ووبل چې د طالبانو پرلپسې بریدونه د ولسوالیو د اقتصادي خنډ، د خلکو د ملکیت ویجاربدل، له ورخني ژوند خنه د خلکو محرموبدل، لومړیو توکو، خواړو او روغتیاېي خدماتو ته د خلکو د لاسرسې نشتون سبب کیوي.

د بشري حقوقو کمیسیون تینګار وکړ چې جګړه د حل لاره نه د او همدارنګه له ملګرو ملتونو او بانفوذه کورنیو او بهرنیو بنسټونو خخه یې غوبنتل چې په افغانستان کې د تاوتریخوالی او جګړې پای ته رسولو لپاره له خپلو ټولو لارو، فرصنونو او ظرفیتونو خخه کار واخلي. دا ټول پداسي حال کې دی چې د افغانستان د سولې خبری لاهم له بونبست سره مخ دي.

پدي وروستيو کې، د امریکا متعدد ایالاتو د دفاع وزارت ویاند جان کربی ووبل: د متعدد ایالاتو چارواکي هره ورڅ د افغانستان وضعیت ازوی او دا چې خرنګه له هېواد خخه بهر د افغان امنیتي او دفاعي ځواکونو سره مرسته وکړي، پر یوې مناسبې تګلارې غور کوي.

په دې وروستيو کې د طالبانو لخوا د تاوتریخوالی د ډېربدو سره هم مهاله داسي انګړل کېږي چې د امریکا ځواکونو یوه برخه به په افغانستان کې پاتې شي.  
سیاسي کارپوهان په دې ساور دی چې طالبان د بریدونو په زیاتولو سره یوازینې کار هغه د خلکو ۋېل او د هېواد ویجاربول دي، چې دا کار به د خلکو په منځ کې د دوی پروپاندي د خلکو کرکه نوره هم زیاته کېږي؛ مګر که دوی دا فکر کوي چې د جګړې له لاري دوی افغان ځواکونو ته ماتې ورکولای شي نو دا د دوی یو غلط گمان دي؛ خکه چې له یوې خوا دا ځواکونه د کلونو ټکلنو لپاره د طالبانو سره د جګړې ورتیا لري او له بلې خوا ملي اردو او ملي پولیس د افغانانو ملاتې له څان سره لري.

کې دی؛ ترڅو ډېرې سیمې تر څېل کنټرول لاندې راولي چې دا یو باطل خیال او خوب دي)). د جمهوري ریاست د دویم مرستیال په وينا طالبان د خپلې ۷۰ یمي لسیزې غلطی تکراروي چې په پایله کې به د همدي غلط فهمی له وجې غرق شي. له بلې خوا د جمهوري ریاست د عame او استراتېژیکو اړیکو مسؤول وحید عمر ويلى چې طالبان د خپل اسلامي حکومت او د جګړې مشروعیت خخه خرګند تعريف نه لري. بناغلي عمر د رسنیو او اطلاعاتو مرکز په خبری غونډه کې ووبل چې طالبانو د عame تأسیساتو لکه ودانیو، سړکونو او نسونځیو له ویجاپولو پرته بل خه سره بلدتیا نه لري. بناغلي عمر تینګار وکړ چې طالبانو له یوې میاشتې راهیسي خپله اصلی خبره سکاره کې او د دې ډلي تګلارې ته په کتو کولای شو ووایو چې هغوي له پخوا ډېر جګړې ته لېواله شوي. هغه زیاته کړه چې د تېرې میاشتې راهیسي د طالبانو لخوا بریدونه د ډې لامل شوی چې یاده ډله هغه نسبی مشروعیت چې په دې اوخيرو کې موندلی وو، له لاسه ورکړي.

د جمهوري ریاست د عame او استراتېژیکو اړیکو مسؤول تینګار وکړ که چېږي د طالبانو مشرتابه یو شیبه هم هیله مند وو، چې په سیاسي ډګر کې ونده ولري؛ مګر له تېرې یوې میاشتې یې داسي فعالیتونه وکړل چې نه یوازې په نظامي؛ بلکې په سیاسي ډګر کې هم له هر ډول بريا خخه یې برخې شول.  
د طالبانو وروستي بریدونو نه یوازې زړګونه خلک بې خایه کېږي؛ بلکې د ملکي تلفاتو لامل هم شوي دي. د ملکي تلفاتو د زیاتوالی او د عame تأسیساتو د ویجاربدو په تراوا د افغانستان د بشري حقوقو خپلواک کمیسیون ويلى چې د جګړې او د تاوتریخوالی ډېربدل د ملکي تلفاتو د ډېربښت او د هېواد د زېربناوو د ویجاربدو سبب کېږي.



# زن و مردان افغان به حمایت از نظام جمهوری آینده را رفع خواهند زد

ص. سیرت

علاقمندی خاص داشتم و دیگر این که واقعاً وقتی از مکتب فارغ شدم احساس کردم که زنان باید در صفووف پولیس ملی حضور گسترشده داشته باشند، به دلیل همین علاقمندی، با دو نفر از دوستان صمیمی خود به پولیس ملی پیوستیم.  
**خبرنگار:** برخورد خانواده و جامعه با شما چگونه بود وقتی پولیس شدید؟

**رقیه خدادادی:** به طور کلی در نخست خانواده‌ام موافق نبودند، پدرم تاحدی رضایت داشت، اما مادرم اصلاً موافق نبود، مطمیناً برخورد جامعه با ما خوب نبود. من در جریان چهارسال پوهنتون تا زمانی که فارغ شدم، به هیچ‌کسی نگفتم که پولیس استم و در قوماندانی امنیه وظیفه اجرا می‌کنم. وقتی می‌دانستند که یک زن پولیس است، نگاه‌های شان به گونه‌ای آزاردهنده می‌شد، آن‌جا که مکان اکادمیک است در جامعه نیز حرف‌های منفی می‌گفتند. در حدود پنج سال نخست کارم حتی همسایه‌ها نمی‌دانستند که من پولیس استم. اما با گذشت زمان برخورد مردم هم تغییر کرد و حالا نسبت به سال‌های گذشته دید مردم بسیار تغییر کرده و بسیاری‌ها به این درک رسیده‌اند که حضور



څارمن رقیه خدادادی، مدیر حقوق بشر قوماندانی امنیه ولایت هرات می‌گوید که حضور زنان در صفووف پولیس ملی ضرورت مبرم است و حکومت افغانستان باید از زنان موظف در صفووف پولیس ملی حمایت کند.

**خبرنگار:** چه زمانی به پولیس ملی پیوستید و در کدام بست‌ها کار کرده‌اید؟

**رقیه خدادادی:** در سال ۱۳۸۷ خورشیدی برای اولین بار ۲۵ نفر از زنان به قوماندانی محترم امنیه ولایت هرات معرفی شدیم و دوره‌ی آموزشی چهار و نیم ماهه را فرا گرفتیم، من به رتبه‌ی لمپری ساتنمن فارغ شدم. در بست‌های مدیریت حفظ و مراقبت، مدیریت تدارکات، مدیریت بایومتریک پاسپورت، مدیریت شورای انسانیه حقوق بشر، مدیریت حقوق پولیس و از چهار ماه به این سو به عنوان مدیر حقوق بشر قوماندانی امنیه ولایت هرات ایفای وظیفه می‌نمایم.

**خبرنگار:** تحصیلات تان به چه سطحی است؟

**رقیه خدادادی:** وقتی وارد پولیس ملی شدم، فارغ صنف دوازده بودم، چهارسال پیش از رشته مدیریت و تجارت پوهنخی اقتصاد فارغ شدم.

**خبرنگار:** چه سبب شد که به پولیس ملی پیوستید؟

**رقیه خدادادی:** از سن کوکی به بخش پولیس ملی





باید آن را به خاطر داشته باشند، این که اینجا کشور ماست و سرنوشت و آینده ما به این خاک گره خورده است، بنابر این برای آسایش آینده و پیشرفت باید تلاش کنیم، اگر به جای نگرانی دست از تلاش برنداریم موفق می‌شویم و بالاخره هم خود و هم کشور خود را آرام و آباد می‌سازیم.

**خبرنگار:** حضور زنان در پولیس به نظر شما چرا مهم است؟  
**رقیه خدادادی:** در کشور که مردها و زن‌ها مشترکاً زنده‌گی می‌کنند و به طور طبیعی هردو حق دارند در بخش‌های مختلف ایفای وظیفه کنند. از نظر اسلامی بهتر است زنان موظف باشند تا زنان دیگر را بازرسی کنند. از سوی دیگر، مردها در بخش‌های مختلف فعالیت دارند، چرا زنان در بخش‌های مختلف فعال نباشند.

**خبرنگار:** در مورد وظایف و صلاحیت‌های تان بگویید و حضور شما در پولیس در رسیده‌گی به قضایای زنان متضرر چقدر کمک کرده است؟

**رقیه خدادادی:** در بخش‌های حقوق بشری، رسیده‌گی به قضایای خانواده‌گی و خشونت، وقتی مشکلی که پیش می‌آید ما باید با مدیر حقوق پولیس شریک سازیم و در صورت توافق و چگونگی تصمیم مدیر حقوق پولیس مطابق قانون به آن رسیده‌گی می‌شود.

**خبرنگار:** چه پیامی دارید؟  
**رقیه خدادادی:** باید بگوییم که کارهای صورت گرفته است. نسبت به ۱۰ یا ۱۲ سال پیش تلاش‌های شده و کارهای خوبی انجام شده است. بهترین کاری که شده بورسیه‌های لیسانس برای زنان پولیس از سوی ریاست حقوق بشر، امور زنان و اطفال وزارت امور داخله جمهوری اسلامی افغانستان است. از این ریاست تشکری می‌کنیم که این زمینه را مساعد ساختند و زنان را در رشد علمی سهیم می‌سازند.

زنان در صفوف پولیس ملی یک ضرورت است.

**خبرنگار:** شما که چند سال در صفوف پولیس ایفای وظیفه کرده‌اید، خروج نظامیان بین‌المللی چقدر برای تان نگران کننده است؟

**رقیه خدادادی:** با حضور نیروهای امریکایی و ناتو خیال ما راحت بود و احساس می‌کردیم که یک حامی داریم. با خروج این نیروها، اندکی احساس نگرانی و ناامنی می‌کنیم. اما باید واقع‌بینانه به این موضوع نگاه داشته باشیم، افغانستان وطن ماست و در نهایت مردم افغانستان باید کشور خود را بسازند و آینده را رقم بزنند، خارجی‌ها باید یک‌روزی می‌رفتند که حالا تصمیم شان نهایی شده و خروج شان در حال تکمیل شدن است. مردم با حمایت از دولت و در کنار دولت باید آینده خود و کشورشان را بسازند و زنان افغان هم به عنوان بخشی از جمیعت و شهروندان افغانستان دو شادو شوند مردان برای رفاه خود و پیشرفت کشور کار می‌کنند، افغانستان در دو دهه‌ی گذشته دستاوردهای قابل ملاحظه‌ی داشته و زنان که امروز در همه بخش‌ها حضور گسترده دارند بخشی کلان از دستاوردهای دو دهه است، بنابر این اگر ما به حمایت دولت و دولت در حمایت از مردم ایستاد شویم، می‌توانیم آینده را رقم بزنیم و همه نگرانی و چالش‌های که وجود دارد با موفقیت از این آزمون بدر آیم. زنان با وجودی که دستاوردهای بسیار خوب دارند، اما هنوزهم به کمک و یاری حکومت نیاز دارند. رهبری دولت جمهوری اسلامی افغانستان همواره حمایت خود از زنان بیشتر خواهد شد و در کنار به حمایت دولت توانمندی زنان بیشتر خواهد شد و مردم و نظام جمهوری اسلامی برای آینده کشورمان می‌مانیم و متحداهه گام بر می‌داریم. درست که مشکلات وجود دارد، نگرانی‌ها وجود دارد، اما چیزی که بسیار مهم است و مردم

# افغان مېرمنو له دوو لسيزو راهيسي د پام ور پرمختګونه ترلاسه کړي دي

د افغانستان د بیا رغونې لپاره د امریکا ځانګړې مفتشه اداره:

ننګیالی اچکزی ◆

اوږدو کې د میندو د مرینې په هکله د اطلاعاتو د چمتو کولو تګلارې سره توپیر لري او د اطلاعاتو پر ځینو برخو باندي باور کول ستونزم شوي دي. سره له دي، په داسې حال کې چې د میندو د مرینې د کموالي احتمال ډېر دي؛ مګر بیا هم دې کموالي د شمبر کره اندازه خرگنده نه ۵۵. بنونه: کابو ۳۰.۵ میلیونه انجونې ((۹۵ میلیونو ټولو انجونو او هلکانو زده کونکو له جملې خخه کابو ۴۰ سلنې)) یې بنونځي ته خې. که خه هم هغه انجونې چې بنونځي ته خې شمبر یې کم دي؛ مګر د طالبانو له دور سره په پرتلي ويلاي شو چې د اوسيني وخت یو سلنې امکانات هم په هغه دور کې شتون نه درلوو. ۱۸ م کال پوري کابو ۷۰۰۰۰ مېرمنې د تدریس پر دنده بوختي وي چې کابو د هېواد د بنونکو ۳۱۱ برخه یې نېوله. په ټولنه کې د زده کړي د پرمختګ لپاره هڅې وشوي؛ ترڅو بنونځيو ته د انجونو او هلکانو د خند مخه ونيسي.

په انجونو کې د سواد کچه چې ۲۰۰۵ م کې ۲۰ سلنې وه، په ۲۰۱۷ م کال کې ۳۹ سلنې ته یې کچه لوړه شوه. د انجونو له زده کړي خخه د افغانستان د ۶۰ ملاټر له ۲۰۰۶ م کال

د افغانستان د بیا رغونې لپاره د امریکا ځانګړې مفتشه ادارې يا (سیگار) د افغان مېرمنو په اړه په خپل تازه راپور کې ویلي چې د افغانستان مېرمنو له ۲۰۰۱ م کال راهيسي د پام وړ لاسته راپونې درلودلي دي. په دې راپور کې د روغتیا، زده کړي، عدالت ته لاسرسی، سیاسي ګدون او اقتصادي ګدون برخه کې په لا ډېر پرمختګ باندې ټینګار شوی او ویل شوی چې مېرمنو په دې برخه کې کافي پرمختګ ترلاسه کړي دي. روغتیا: د میندو د مرینې سبب د هفو مېرمنو چې د زبرون يا د امیندواری پر وخت ژوند بايلي، په شمبر کې کموالي راغلی دي. دا په ډاګه کوي چې افغانستان د روغتیا په برخه کې د ډېر پرمختګ شاهد دي. له ۲۰۰۱ م تر ۲۰۱۸ م کال پوري په تخميني توګه د مسلکي او تجربه لرونکو روغتیا يې پرسونل شمېر له ۴۶۷ خخه ۴۰۰ ته ډېر شوی دي او د همدي روغتیا يې پرسونل ترنظارت لاندې د ماشومانو د زبرون د فيصدي کچه له ۱۴ سلنې کابو ۶۰ سلنې ته لوړه شوې ده. له ۲۰۰۲ م تر ۲۰۱۷ م کال پوري په روغتیا يې مراکزو کې د بشئينه کارمندانو د ګدون کچه له ۲۵ سلنې خخه سلنې ته لوړه شوې ده. د پام وړ تکي دا ده چې د وخت په

څخه مخ پر زیاتېدو دی.

سیاسی ګډون: اوسمهال په دولتي ادارو کې مېرمني د لوړو څوکیو څخه برخمنی دی. د اساسی قانون، د امریکاً متحده ایالاتو اود افغانستان د نورو مالي ملاترو له برکته اوسمهال د ولسي جرگې له ټولو څوکیو څخه ۲۷ یې مېرمنو ته ځانګړې شوي دي. د اساسی قانون له مخې د ولايتي او ولسواليو شوراګانو ۲۵ سلنې څوکی مېرمنو ته ځانګړې شوي دي. په ټول هپواد کې د ټولنې د پراختيایي شورا له ۹۷۰۸ م منتخبو ځرو څخه نيمه برخه یې مېرمنې تشکيله وي. مېرمنې د وزیرې، د مرستيال وزيرې او د سفيري په توګه خدمت کوي او د مدنۍ ټولنود سازمانونو د کارمندانو ۲۸ سلنې برخه مېرمنې جوړه وي. دا شمېر د هغه مېرمنو د هلوخلو له کبله دی چې له کلې څخه نیولې تر ملي کچې پوري یې زيار کښلې ۵۵. په رسنیزو بنستیونو کې هم د مېرمنو شمېر له ۲۰۰۱ م کال راهیسي پراختیا موندلې ۵۵.

عدالت ته لاسرسی: افغانستان د مېرمنو او انجونو عدالت ته د لاسرسی لپاره د قانون ځانګړې تګلاره لري. د مېرمنو او نارينه وو لپاره برابري حقوق او د بنخو پر وړاندې د تاوتریخوالي د منع قانون لپاره د اساسی قانون ملاتړ چې په ۲۰۰۹ م کال کې د جمهوري ریاست په فرمان کې نافذ شو، دا قانون عدالت ته د نارينه او بنخو د لاسرسی لپاره یوه قانوني بېلګې ياده ولای شو.

د هغه مېرمنو شمېر چې په ۲۰۰۵ م کال کې یې د ملي پوليسو په ليکو کې دندې ترسره کولي شمېر یې ۱۸۰ تنو ته رسیده، چې دا شمېر په ۲۰۱۹ م کال کې ۳۶۵ تنو ته

لور شو. همدارنګه کورنيو ته د څواب وینې په موخه تخصصي واحدونه توانيبدلي؛ ترڅوله یوشمېر مېرمنو سره د شکایت په درج کولو کي مرسته وکري. له ۲۰۰۷ م تر ۲۰۱۸ م کال پوري د نسخينه قاضيانو شمېر له ۵ سلنې څخه ۱۳ سلنې ((له ۷۳ څخه ۲۶۱)) ته لوره شوي ۵۵.

اقتصادادي ګډون: زياتره مېرمنې څېل سوداګریز کارونه په څېلہ مدیریت کوي، ۲۰ کاله پخوا ته په کتو اکثره مېرمنې په کلیو کې کارونو باندې بوختې دي. په ۲۰۰۷ م څخه تر ۲۰۱۷ م کالو ترمنځ په بساري سیمو کې په خوندي کارونو کې د بنخووندې له ۲۷ سلنې څخه ۴۲ سلنې ته لوره شوي ۵۵. دا یوله هغه کارونو څخه وو چې مېرمنو پکې د سرپو په نسبت ډېره ګتېه ترلاسه کړي. له ۲۰۰۷ م څخه تر ۲۰۱۹ م کال پوري له اردو او پوليسو څخه پرته د ملكي خدمتونو په کارونو کې د بنخووندې له ۱۸ سلنې څخه ۲۵ سلنې ته رسپدلي ۵۵. مېرمنو په ۲۰۱۸ م کال کې د دولت ۱۵ سلنې تصميم نيونکي بستونه پرغاره درلودل په داسي حال کې چې دا اندازه په ۲۰۱۳ م کال کې ۱۰ سلنې وو.

لومړۍ: د لاسته راوړنوله مثبتو کيسو سربېره، د افغانستان مېرمنو او انجونو پرواندي ځينې خنډونه لکه ټولنیز او فرهنگي محدوديتونه او نامنۍ هغه څه دی چې د مېرمنو د پرمختګ مخ یې ډب کړي ۵۵.

دوييم: که څه هم افغانستان ته د امریکا متحده ایالاتو د راتګ لامل د بنخو پرمختګ لپاره نه وو، مګر بیا هم د افغان مېرمنو او انجونو پرمختګ د امریکا له لومړیتوبونو څخه شمېرل کېده.





gettyimages  
WAKIL KOHSAR

دېرى برحه له پرلپسي مرسنو پرته ثابت نه وي.  
اتم: د امریکا متحده ایالاتو په امنیتی او دفاعی لیکو کې د  
افغان دولت له لوري د مېرمنو له گمارلو خخه کافي ملاتر  
کړي دی؛ مګر دا اهداف دېر غیر واقعي او د تحقق ورنه  
وو. که خه هم د بسخینه پولیسو په شمېر کې زیات والي  
راغلې دی؛ مګر مېرمنې بیا هم د شخصي امنیت له ګواښ،  
تعییض، آزار او اذیت سره مخ دي.

نهم: افغان مېرمنو له ولسي جرګې، ولايتی شوراء، ولسوالي  
او د ټولنې په کچه د رهبری دنده پر غاړه درلودلي ۵۵.  
په همدي وخت کې هغوي له یوه درې اړخیز ګواښ سره  
مخ دي. د تاوترخواли دېربشت او دوام، د افغانستان د سولې  
مذاکراتو خطر چې ممکن د افغان مېرمنو او سنې حقوق له  
منځه لارشي او داسي یو اقتصادي او انساني ناورین لکه  
کويد ۱۹ چې ورڅه پرخ حالات کړکچن کوي.

لسه: د افغان مېرمنو ژوند د هر دولت تر چتر لاندې کوم  
چې طالبان پکې هم تأثیر ولري د هفو مذاکراتو د پایلو په  
نتیجه کې چې رامنځته کېږي طالبان له افغان دولت او  
 محلی ټولنو سره یې ترسره کوي.

يولسم: په افغانستان کې د مېرمنو د ژوند پرختګ ممکن  
د یو دوں ځند او خطر سره مخ شي داسي چې آیا دا هبوا  
کولاۍ شي چې سوله د بنخود حقوقو په قیمت ټینګه کړي  
يا که د بنخو حقوق د سولې په قیمت.

دریم: په افغانستان کې پر جنسیتی موضوعاتو باندې د  
کنګرې او اجرایه قوي د اداراتو له لاري د امریکا لوري کچې  
سیاسی تمرکز د مېرمنو او انجونو د هلوڅلو لپاره د پام ور  
تمویل او د تأمین سبب شوي دي.

څلورم: له ۲۰۰۲ م ۲۰۲۰ م کال پوري امریکا کابو ۷۸۷.<sup>۴</sup>  
میلیونه ډالر د خانګرو برنامو له لاري د افغان مېرمنو او انجونو  
د ملاتر لپاره لګولې دي؛ مګر د افغان مېرمنو او انجونو د  
پرختګ لپاره د امریکا ټولي مرستې د حساب ورنه دي؛  
څکه سلګونه نوري برنامې او پروژې یې د جندر مساواتو لپاره  
درلودې چې دا په خپله د جندر په مسایلو کې د پانګونې د  
معلومولو میزان ستونزمن کوي.

پنځم: د امریکا متحده ایالاتو نړیواله انکشافی اداره ((يو اس  
آئې ډي)) ونتوانيد چې په ټول افغانستان کې د جندر اړوند  
ټولو مهمو مخود تأمین لپاره په خپله برنامو کې له خپله  
منابعو او کافي تخصص خخه کار واحلي.

شپرم: تعلیم په ټولنې کې د ګلتور له نظره یو منل شوی  
عنوان ده، په هفو سیمو کې چې تعلیمي سیستم شتون  
ونږي د لوړنیو زده کړو وړاندې کول د انجونو او هلکانو لپاره  
د لاسته راوندو د پوره کولو په معنا ده.

اووم: د امریکا متحده ایالاتو دولت له هفو مدنې ټولنو، د  
مېرمنو فعالنو او له هفو سازمانو سره چې د مېرمنو د حقوقو  
لپاره مبارزه کوي، مرسنه کړي ده. له دې سره، د دې سازمانو



# چگونه می‌توان خلاً جنسیتی را در مذاکرات صلح بست؟

مارلین اسپوری، رئیس دیپلماسی فرآگیر و تغییر نظام در گروه مشاوره‌دهی دیپلماتیک

تعداد هیأت‌های مذاکره‌کننده که در آن زنان شامل بوده باشند، کاهش یافته است. در چندین روند صلح، از روند صلح یمن گرفته تا سودان، زنان از مذاکرات سطح بالا کنار گذاشته شده‌اند. و نیز در روندهای صلح تازه‌احیا شده، مانند روندی که بین طالبان و حکومت افغانستان جریان دارد، مشارکت زنان در وضعیتی به مراتب بدتر از سایر روندها به نظر می‌رسد.

محرومیت زنان از روند صلح نه تنها مانع پیشرفت زنان می‌شود، بلکه چشم‌انداز دست‌یابی به راه حل پایدار را نیز تضعیف می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که زنان به دست‌یابی به توافق‌نامه‌های صلح پایدارتر کمک می‌کنند. از ایرلند تا کلمبیا، دیده شده که وقتی زنان دور میز می‌آیند، دیدگاه‌های مهم و ارزش‌های را با خود برای بحث به همراه می‌آورند و اغلب از روش‌های کار مشورتی در پیشبرد روند استفاده می‌کنند. همچنین شمولیت زنان در روندهای صلح احتمال این را تقویت می‌کند که مذاکره موردنظر به توافق‌نامه‌ای بینجامد که در آن حقوق زنان مدنظر گرفته شده و محافظت شود. زنان برای به حداقل رساندن تأثیرشان بر روند صلح، به نقش‌هایی هم در خارج از مذاکرات رسمی به عنوان

ائتلافی از حکومتها، سازمان‌های جامعه مدنی و آژانس‌های سازمان ملل متحده در تاریخ ۳۰ جون در پاریس برای اشتراک در مجمع نسل برابری برای راه‌اندازی پیمان جهانی به منظور تقویت مشارکت زنان در پیش‌گیری و حل منازعه گردهم می‌آیند. این پیمان نتیجه دهه‌ها فعالیت فیمینیستی است و هرچند زنان طی این دهه‌ها دستاوردهای مهمی داشته‌اند، اما نمایندگی و حضور مستقیم آن‌ها در میز مذاکرات صلح همچنان دست‌نیافتنی باقی مانده است.

طی سه دهه‌ی گذشته، از هر ۱۰ روند صلح فقط در ۳ روند آن یک زن به عنوان میانجی یا امضاکننده توافق‌نامه شامل بوده است. طی این سه دهه حکومتها، میانجی‌ها و سازمان ملل متحده به اهمیت شمولیت زنان در مذاکرات صلح پی بردند. زنان در خارج از اتاق مذاکره به عنوان مشاور، مدافعان و شرکت‌کننده روندهای دیپلماتیک غیررسمی «مسیر دوم» نقش اصلی را ایفا کرده‌اند، اما در سال‌های اخیر، ما شاهد عقب‌گرد در مشارکت مستقیم زنان در گفت‌وگوهای صلح بوده‌ایم. در روندهایی که توسط سازمان ملل متحده بین سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ میانجی‌گری شده است،



فعالانه برای تضعیف زنان یا جلوگیری از شمولیت زنان در هیأت کار می‌کنند. بنابراین وظیفه دولت‌های خارج، میانجی‌ها و فعالان محلی است که از ابتدای روند صلح، اهمیت شمولیت زنان را برجسته و بر آن تأکید کنند. این ذینفعان باید نمایندگی جنسیتی برای دست‌یابی به یک توافق سیاسی را امری اساسی و بنیادی تلقی کنند، نه مسئله‌ای چندروزه و جانبی. و در همین راستا، سرمایه سیاسی بیشتری را برای آوردن زنان دور میز مذاکره و حفظ کرسی آن‌ها در میز مذاکره، به کار بندند.

برای مثال میانجی‌ها می‌توانند چارچوب‌های قوی‌تری



در مورد شمولیت زنان تعریف کنند، از جمله سهمیه‌بندی کرسی‌های میز مذاکره که می‌تواند طرفین مذاکره را به تعیینات و انتصابات فراگیرتر و همه‌شمول‌تر در مورد اعضای هیأت‌های مربوطه‌شان وا دارد. در لیبیا، «استفانی ویلیامز»، نماینده ویژه سابق سازمان ملل متعدد در این کشور، خواستار شمولیت زنان در روند صلح این کشور شد و در نتیجه تلاش‌های وی ۲۳ درصد

فعال و مدافع حقوق زنان و هم در اتاق مذاکره به عنوان نماینده و عضو هیأت مذاکره کننده نیاز دارند. بسیار مهم است آن‌هایی که در راه اندازی پیمان جهانی برای تقویت مشارکت زنان در صلح و حل منازعه دخیل‌اند، نه تنها از زنان به عنوان عضو جامعه مدنی، بلکه از زنان به عنوان تصمیم‌گیرنده سیاسی نیز حمایت کنند. آن‌ها می‌توانند این کار را با افزایش حمایت مالی و مادی خود از مذاکره کننده‌گان زن و نیز تأکید سیاسی بیشتر بر حضور هیأت‌های همه‌شمول و فراگیر در مذاکرات انجام دهند.

تأمین منابع موردنیاز مذاکره کنندگان و رهبران زن، اولین قدم برای شروع مسیر است. برای زنان، حضور در مذاکرات و شرکت در چانه‌زنی‌های دیپلماتیک که برای کسب حمایت از یک روند و نیز تشکیل ائتلاف‌ها ضروری است بدون داشتن منابع مستقل دشوار است، به ویژه هنگامی که مذاکره موردنظر در مکان‌های گران و پرهزینه مانند ژنو برگزار شود. مریم جلابی، از بنیان‌گذاران جنبش سیاسی زنان سوریه و نماینده «ایتلاف اپوزیسیون سوریه» در سازمان ملل متحده هشدار می‌دهد که بسیاری از زنان صرفما به دلیل کمبود منابع نمی‌توانند در هیأت‌های سطح بالا جای داشته باشند و یا جایگاه خود را حفظ کنند.

او گفته: «هنگامی که شما با منازعه‌ای مانند منازعه سوریه سروکار داشته باشید، آنچه که تعیین می‌کند چه کسی در میز مذاکره حضور داشته باشد، پول و ارتباطات است. و زنان اغلب نمی‌توانند رقابت کنند.»

در دادخواهی برای زنان، صلح و مسایل امنیتی، اغلب تمرکز بر جامعه مدنی است و حداکثر منابع برای تقویت مشارکت مردمی در روندهای صلح و حمایت از سازمان‌های به رهبری زنان اختصاص می‌یابد. این تأمین مالی امری بسیار مهم است، اما اغلب زنان را که به دنبال نقش رسمی درون یک هیأت سیاسی در میز مذاکره مالی، مادی، اطلاعاتی و نیز کمک به زنان برای اخذ ویزا، آن‌ها را به عنوان تصمیم‌گیرنده سیاسی توانمند می‌سازد و امکان می‌دهد که قاطعانه در روند صلح شرکت کنند.

منابع به تنها یی مشکل عدم نمایندگی یا کمبود نمایندگی زنان در میز مذاکرات صلح را برطرف نخواهد کرد. خود هیأت‌های مذاکره کننده عموماً شمولیت زنان را در اولویت قرار نمی‌دهند و در برخی موارد حتی

را تقویت کند.

از همه مهم‌تر این‌که، اگر زنی به عنوان تصمیم‌گیرنده سیاسی شامل روند شد، باید با وی به عنوان تصمیم‌گیرنده سیاسی رفتار شود. حکومت‌ها و میانجی‌ها با استفاده از منابع و سرمایه سیاسی خود می‌توانند به افزایش نمایندگی زنان در میز مذاکرات صلح کمک کنند، اما این مشارکت معنادار زنان را تصمیم‌نامه نمی‌کند. وقتی زنان در روندهای صلح شرکت می‌کنند، اغلب نقش خود را نه تنها از نظر اعضای خودی بلکه از نظر حکومت‌ها و میانجی‌های ناظر بر روند صلح، نمایین می‌یابند. ذینفعان اغلب از زنان شامل در مذاکرات می‌خواهند که در مورد موضوعات مربوط به جنسیت صحبت کنند، اما وقتی صحبت از موضوعات سیاسی کلان‌تر می‌شود که بر وضعیت زنان تأثیر دارد، زنان مذاکره‌کننده را دور می‌زنند.

حکومت‌ها و میانجی‌ها باید تلاش کنند تا زنان قادر شوند در زمینه‌های پالیسی مانند عدالت انتقالی، محافظت از غیرنظم‌آمیان، آزادی زندانیان و آتش‌بس نقش رهبری را ایفا کنند و بیش از هر چیز به زنان مجال پرداختن به دلایل اصلی منازعات مربوطه‌شان را بدهنند. جلابی می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین کارهایی که جامعه جهانی می‌تواند انجام دهد این است که نگذارد نقش زنان در روند صلح صرفاً به عنوان قربانیان جنگ، صلح‌بانان یا اعضای جامعه مدنی محدود باشد. باید پذیرفته شود که زنان نیز تصمیم‌گیرنده و بازیگران سیاسی هستند. ما باید زمین بازی سیاسی را برای زنان برابر و هموار سازیم.»

در حالی که رهبران جهان آماده می‌شوند تا در پاریس برای تأکید بر تعهدات خود در مورد برابری جنسیتی گردد، جمع شوند، ضروری است که آن‌ها بر زنانی تمرکز کنند که با نقش رسمی در میز مذاکره تلاش می‌کنند کشورهای مربوطه خود را از منازعه و جنگ خارج کنند. این که زنان بتوانند تعیین کنند که به چه چیزی نیاز دارند و از روند صلح چه چیزی می‌خواهند به دست آورند، کلید پیشرفت در حل منازعات است. روندهای صلح فراگیرتر به توافق‌نامه‌های سیاسی پایدارتر منجر خواهد شد که بازتاب‌دهنده اولویت‌های کسانی باشد که بیشترین آسیب را از جنگ متحمل می‌شوند. روند صلح فراگیر چیزی است که زنان و مردان به طور یکسان از آن سود می‌برند.

اعضای «مجمع گفت‌وگوی سیاسی لبیا» در سال ۲۰۲۰ نمایندگان زن بودند. لمیس بن‌سعد، کاندیدای انتخابات پارلمانی سال ۲۰۲۱ لبیا، یکی از ۱۶ نماینده زن در این مجمع بود. او می‌گوید که تعهد ویلیامز برای تقویت شمولیت زنان، «تضمين کرد که ما از این روند کنار گذاشته نشویم. او زمینه را برای ورود زنان به سیاست، پس از آن که سال‌ها زنان احساس می‌کردند کنار گذاشته شده‌اند، فراهم کرد.»

علاوه براین، نمایندگی فراگیر در هیأت حکومت‌ها و میانجی‌های طرف دیگر میز مذاکره، نیز می‌تواند به افزایش و تقویت مشارکت زنان کمک کند. دیده شده



است که بسیاری از بازیگرانی که بر اهمیت شمولیت زنان تأکید دارند، وقتی صحبت از شمولیت زنان در هیأت‌های خودشان می‌شود، از آن استقبال نمی‌کنند. ذینفعان می‌توانند با پاییندی و تعهد به سخنان خود و انتصاب زنان بیشتر در رده‌های تصمیم‌گیری و سطح بالا، از جمله به عنوان فرستاده ویژه و دیپلمات ارشد، استدلال خود برای تقویت مشارکت زنان در روند صلح

# سر

## غزل

پوه يمه، پوهېږم، خو بې وسه يم  
 بل اور کښې سوئېږم، خو بې وسه يم  
 راشه اي منصفه! چې حساب وکړو  
 بنډ په بند ماتېږم، خو بې وسه يم  
 رنګ مې خپل بايللى راته وګوره  
 ويئم بدرنگېږم، خو بې وسه يم  
 نه مې شته مستي او نه د ژوند نشه  
 تشن جام نه تاوېږم، خو بې وسه يم  
 زه په ژوند د مرګ څې وهلى يم  
 لوېږم او پاخېږم، خو بې وسه يم  
 مات به زتھironه پسلی کاندي  
 خوب نه راوینېږم، خو بې وسه يم  
 مصطفى پسلی

هر دو تفنج داريم، تدبیر جنگ داريم  
 ګر اسلحه يافت، در دست، سنگ داريم  
 هم تو دلير هستي، هم من دلير هستم  
 فرزند شيرهستي، فرزند شير هستم  
 اما تو فرق داري در يك زمينه از من  
 تو سرزمين فروشی، من پاسدار ميهن  
 تو يار ديگرانی بر ضد مردم ما  
 تو ميزني هميشه آتش به ګندم ما  
 من پاسدار مردم، من حافظ درختم  
 من در کنار مردم در روزهای سختم  
 هرچند از من و تو اين سرو و سرزمين است  
 در قلب من محبت، در سينه تو کين است  
 فرق من و تو اين است!  
 فرق من و تو اين است  
 داکتر سمیع حامد

سرباز کوه و دره و دامان ميهن  
 نسل مدافع شرف و شان ميهن  
 پوز عدو به خاک سيء هدیه می کنم  
 من پاسدار عزت و آرمان ميهن  
 هر پای بوس غير ندارد توان من  
 من مرد پر شهامت میدان ميهن  
 ای نوکران بې خرد پست اجنبي  
 من مرد پاسبان و نگهبان ميهن  
 ګر مرد همتيد بيا تا عيان کنيم  
 داني که نسل عزت و ايمان ميهن  
 با من هميشه ملت من همره کند  
 زيرا که سر بدار عزيزان ميهن  
 اينجا هزار نوکر بيگانه مرده است  
 تاریخ داند اينکه به قربان ميهن  
 تو اى دلال ميهن و مادر بدان که من  
 خون مى دهم به دشت و ګلستان ميهن  
 اى رو سيء تو پاي فراتر دگر منه  
 من پاسدار روز و شبستان ميهن  
 صديق ذليق

## غزل

نور مې د سترګو خوبيدو خوک دي؟  
 له ما بغغير ستاد بنو خوک دي؟  
 زما د زړه په ور کې زه ديره يم  
 پر ما د زړه د سوئېدو خوک دي؟  
 زمونږ د شېپې شوګيری هځې عادت  
 ګنې زمونږه د راتلو خوک دي؟  
 دلته کې هر سړۍ خپل غم اخيستي  
 دلته د بل د غم د ورو خوک دي؟  
 د منزل نښې ته به خوک ورسې  
 په ګرانو غرونو د ختو خوک دي؟  
 صابره مونږ د ژونده خه خبر يو  
 مونږ ته د دي کتاب لوستو خوک دي؟  
 صابر شاه صابر

# نحوه اسما

ته به خومره چپوی مړې کړي؟  
 ته به کوم کوم خراغ وژنې؟  
 ته به کوم مشال خاموش کړي؟  
 کوم مالي به د باغ وژنې؟  
 دا چيوی به تل بلېږي  
 رانه ستوري به څلېږي  
 زما وینې به څلا کړي  
 مشالونه به رنا کړي  
 خراغونه به روښان وي  
 خو چې دا خمکه اسمان وي  
 خو چې دا افغانستان وي  
 مکتبونه به ودان وي  
 زمونږ جونې هلکان به  
 ډلي ډلي ور ران وي  
 د تختو خواهه ولاړ به  
 زمونږ بشکلې ماشومان وي  
 لکه غر غوندي ولام به  
 زمونږ خنګ ته معلمان وي  
 موږ به خپل درسونه وايو  
 که د سرو مرمو باران وي  
 مخ په وړاندې به روان يو  
 گړنګونه که توپان وي  
 چې ترڅو په موږ کې ساه وي  
 چې ترڅو په موږ کې توان وي  
 لې ګربوان کې سر ورتیت کړه  
 که کمیس کې دې ګربوان وي  
 یو تپوس درنه کومه  
 که په تا کې خه وجدان وي  
 خوک به داسې وحشت وکړي؟!!!  
 چې په نوم باندې انسان وي؟  
 خیر یو ورخ به داسې راشي  
 ته به نه یې زه به یمه  
 دا وطن به چراغان وي  
 سرې غوتې د اميدونو  
 به ګل شوي د ارمان وي  
 د طوطيانو شور ماشور به  
 له هر خوا په ګلستان وي  
 لمړ ختلې به د سولې  
 په دې ګران افغانستان وي  
 د افغان شمله به هسکه  
 د غيرت په تول جهان وي

مثل قرآنی که دارد روی رف سرباز ما  
 می پرستند میهن خود را خلف سرباز ما  
 می خروشد مثل آمو طبل آزادی زنان  
 می چکاند ماشهها را بر هدف سر باز ما  
 تا که دشمن را به خواب مرگ نفرستد کجا  
 سر بماند روی بالش سر به کف سرباز ما  
 بیش ازینها در میان خون نمی مانی وطن  
 از تو می سازد ده نور و علف سرباز ما  
 می زداید سایههای نحس را از شانهات  
 مثل ماه و آفتاب از هر طرف سرباز ما  
 سرفرازی را به ارث آورده از یعقوب لیث  
 با شهامت با شکوه و با شرف سرباز ما  
 جنګ پایان می پذیرد باز و با معشوقه اش  
 می نوازد نغمهها با چنګ و دف سرباز ما  
 مهتاب ساحل



وحیده اچکزی

## پیاوه اوضاع آفغانستان زنان:

# طالب و تفکر طالبانی در میان مردم جای ندارد

نیوده‌اند؛ با آن که حجم کلانی از روان و عاطفه‌ی جنگ‌ها را به دوش کشیده‌اند. از گذشته تا کنون تنها در میدان نبرد نیوده‌اند، در حالی که هزینه‌ی بیشتری نسبت به مردان از لحاظ عاطفی پرداخته و مسؤولیت خانواده‌گی را به شانه کشانده‌اند.

زنان یکی از قربانیان اصلی جنگ در تاریخ بشر هستند. اگر مردی کشته می‌شود، اگر خانه‌یی ویران می‌شود و اگر تجاوز گروهی صورت می‌گیرد، همه به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم زنان را متاثر می‌سازد. این‌ها می‌رسانند که زنان در تاریخ جنگ‌ها هرچند به گونه‌ی مستقیم حضور کمتری داشتند و یا به زبان دیگری، حضور زنان کمتر روایت شده و تاریخ بیشتر وجهه‌ی مردانه دارد، اما تأثیر مستقیم و غیرمستقیم جنگ‌ها بر زنان شاید بیشتر از مردان بوده است. جنگ‌هایی که همیشه در تاریخ حضور داشته و پیوسته از زنان قربانی گرفته است. زنان افغانستان در جنگ ۴۲ ساله یکی از قربانیان اصلی خشونت‌های دوام‌دار و جنگ‌های زمان‌بر و کورکرانه بوده‌اند.

زنان در برخی از ولایت‌های افغانستان به خصوص غور، جوزجان و... اسلحه به شانه کشیده و نگهبان روستاها را

این که زنان بومی افغانستان علیه تروریستان اسلحه گرفته و به میدان جنگ آمده‌اند حرف تازه‌ای نیست. آن‌ها در هر مقطع زمانی که دیدند خانه، جان و آزادی‌شان در خطر است، در مقابل تروریستان ایستادند. اما این‌بار در بحبوحه جنگ و صلح در زیر چتر نظام جمهوریت و حضور نیروهای بین‌المللی و پولیس محلی مردانه؛ گروههای زنانه نیز علیه طالبان رژه می‌روند. زنانی با لباس‌های سنتی دست و پاگیر با تنهای تنومندی که کارهای سخت زراعتی کرده‌اند و کار بی‌مزد خانه‌داری؛ سرخ، سبز و گلابی که ضد جنگ‌اند و اما اسلحه به دست در برابر تروریستان قدرت‌نمایی می‌کنند.

این‌بار زنان نه با پنهان کردن هویتشان، بلکه با پررنگ تر کردن ارزش‌های ظاهری زنانه‌شان به میدان جنگ آمده‌اند. آن‌ها به میدان آمده‌اند تا کنار نیروهای ملی دفاعی و امنیتی برعلیه طالب بجنگند و تاریخ بسازند. زنان آمده‌اند که به نیروهای دفاعی شان بگویند که شما تنها نیستید. تاکنون هرچند زنان نقش اندکی در جنگ و تقسیم قدرت داشته‌اند؛ اما آن‌چنان چشم‌گیر نبوده که آن‌ها را از حاشیه‌ی موضوع و مسئله‌ی قدرت، هیچ‌گاه به متن نیاورده‌است. به‌ویژه در افغانستان زنان سهم کوچکی از قدرت را هم دارا



غور از جمله ولایت‌های است که شاهد سنگسار و قتل‌های زیادی بوده و همواره زنان از ناحیه‌ی ایدئولوژی‌های افراطی و جنسیت‌زده آسیب دیده‌اند.

زنان این‌بار در ولایت غور که شاهد صدها نوع رفتار افراط گرایانه بوده، با سلاح اعتراض کرده و تنفسان را تنها در اسلحه یا همان چیزی که تروریستان با آن مجهز اند و سال‌ها قلدری کرده‌اند، تبارز دادند.

حضور زنان حتی به‌شکل ملیشه‌های محلی نمایانگر آگاهی و بیزاری‌شان از جنگی است که سال‌ها صرفاً به‌گونه قربانی در آن به نمایش گذاشته می‌شد و یا هم مردان در جنگ از زنان برای تضعیف روحیه گروه مخالفش استفاده می‌کردند. حالا این زنان با تفنگی در دست و هیبت زنانه به آن باورهای جنسیت‌زده پشت‌پا زندند. این‌گونه رژه رفتن‌های زنان در برخی ولایت‌ها طالبان را عصیانی کرده و آن‌ها متوجه می‌شوند که این‌بار نه تنها با یک قشر خاص بلکه با تفتر تمام شهروندان روبه‌رو خواهند شد.

مسلح شدن زنان دست کم هشداری برای طالبان است که دیگر جایی برای حکمرانی ایدئولوژی آن‌ها در این کشور باقی نمانده و حوصله‌ی همه به‌خصوص زنان افغانستان در برابر آن‌ها صفر است.

خیزش‌های مردمی به حمایت از نیروهای ملی دفاعی و امنیتی برای حفظ نظام جمهوریت، این واقعیت را آشکار می‌سازد که طالب و فکر طالبان در میان مردم افغانستان جای ندارد و برگ برنده از آن مردم است که برای حفظ نظامی که در دو دهه گذشته برای بقا و تداوم آن بهای هنگفت پرداخته اند و حالا هم برای حفظ آن تا پای جان زن و مرد ایستاده خواهند شد و دفاع خواهند کرد.

شان شده‌اند. آن‌ها با پیام بسیار واضح به میدان نبرد آمده اند و آن این که ایدئولوژی سیاه و افراط‌گر طالبان مرا نمی‌خواهند.

زنان امروز افغانستان زنان بیست سال پیش نیستند که هر ظلم و استبدادی را پذیریند آن‌ها از مرحله‌ی قربانی صرف جنگ بودن عبور کرده‌اند و عملاً علیه افراطیت و جنگ نعادلانه به پا ایستادند.

پیام دیگر این مانور نظامی این است که نسل کنونی افغانستان با ارزش‌ها و هنجارهای بزرگ شده‌اند که متعالی و انسانی است و این نسل تفاوت‌های اساسی با نسل گذشته دارد. این نسل در دو دهه‌ی گذشته برای فراغیری آموزش، آزادی و تعهد رنج‌های کشیده و عرق‌های تروریستی ایستاده شود و در روزهای بد و هجوم گروههای تروریستی ایستاده شود و در برابر آن‌ها مبارزه کند. حقیقت این است که طالبان در برابر یک نسل آموزش‌دهنده و متعالی ایستاده‌اند و در این نبردها مطمیناً شکست سراغ طالبان را خواهد گرفت.

این مانور پیام تعالی بخش است، آزادی گستره و ایستاده‌گی را نشان می‌دهد که مردم، زن و مرد، پیر و جوان آماده‌اند که در برابر طالبان ایستاده شوند و نگذارند که این گروه از راه جنگ و خشونت بر سرنوشت افغانستان حاکم شود.

زنان غوری پس از یک اطلاعیه که از سوی گروه طالبان در نقاطی از شهر فیروزکوه پخش شده بود، به خشم آمده و بر ضد دستور و حکم‌های افراطی و زن‌ستیز آن‌ها مسلح شدند. محتوا این اطلاعیه «خواهران عزیز حجاب را مراعات کرده و بدون محروم در شهر گشته و گذار نکنید» بود. زنان غوری آن را توهین به حق آزادی و شهرنشیان خوانده و با هم بسیج شدند تا علیه هرگونه زورگویی و قلدری آن‌ها بایستند.





# افغانی بئش او زموږ فرهنگ

محمدالله شاکر

او نه یې هم له خپل کلتور سره ورته والي لري؛ بلکې په توله معنا پردي دي چې دېره برخه یې زمور فرهنگ کې پرخای شوې، هغه که د جامو له ستایيل نه رانیولې د تولنيز زوند تر کړنې، زده کړو، دنده او یا هم د زوند نوري برخې وي، هره برخه یې په فرهنگي دودیز دول پردي ۵۵. زمور په تولنه کې به دا تغییر هغه وخت مثبت واي چې خلکو راسره هر خه منلي واي او یا هم زمور دین راته اجازه را کولای خواي کاش! چې نن مور په پتو زهرو لړلي عسل خښو او د همدي په نشه کې رانه هر خه هېر دي. مور به هغه وخت لا دېره بريا خپله کړي واي چې د خپل کلتور پالنه موکړي واي او هم مو ئخان له نورو سره په هره برخه کې سیال کړي واي. افغانان د نورو برخو په پرتله په فرهنگي او دودیزو کارونو کې خومره محظیط دي د همدي له وجې بنځو ته په هره برخه کې ستونزې را ولاړېري او د همدي مشکلاتو د حل یوه اساسی لاره د خپل فرهنگ، ديني شعایرو مراعت کول او د دولت له لوري هغه شرایط اماده کول چې مور مخکې ياد کړل، ټولنه د ئخان بساينې لور ته بیاېي. کنه هر ملت چې په فرهنگي برخو کې ئخان

په نړۍ کې شته ټول ملتونه خپل فرهنگ، کلتور، عنعنات او دودونه لري چې د هغو له مخي په خپل ژوند کې ورنه ګټه اخلي، خینو ملتونو د خپلې کمزورتیا له امله له پرديو ملتونو خینې دودونه خپل کړي او ورباندي عمل کوي چې له ګټې یې تاوان دېر ګنلى شو؛ حکه هر ملت چې په کلتوري لحاظ پردي شي هیڅکله هم د چا پر وړاندې درېدلې نه شي، زمور ګران هېواد اوسمهال له همداسي مشکلاتو او ستونزو سره مخامنځ دي، که مخه یې ونه نیول شي لوی فرهنگي تاوان به مو کړي وي. افغانستان د دېرو قومونو ګډ کور دي، چې په ټولو د افغان کلمه اطلاقيېري په ټېرو خو کلنو کې زمور هېواد په هره برخه کې دواړو طبقو نارينه او بنځينه دېر پرمختګ کړي دي؛ مګر له دې پرمختګونو سره مو تاوان هم کړي دي، چې مخ تري نه شو اړولي، د دې تاوان لویه برخه فرهنگ دي. زمور هېواد بنه فرهنگي دودونه لري چې بیا هر قوم ئخان ته ئخانګړي دودونه لري؛ مګر اوسمهال افغانانو د خپلې کلتوري پوهې له امله تري مخ اړولي دي.

په هغو پرديو دودونو کې را ګير شوې، چې نه یې خپل



نه له خپلو ملي او اسلامي شعایرو لري کېږي.

زموره هبود چې له هري خوا په اقتصادي لحاظ کمزوري دی له همدي امله يې هم فرهنگ ژر خپل کېږي او بده خولا دا ده چې په فکري او فرهنگي جګړه کې نښکيل يو، هر خوک هڅه کوي خپل فرهنگ دود په مور را وټپي او حتی دې حالت ته يې رسولي يو، چې ډېر يې را وړاندې داسې منلي دي چې خلک موافکر کوي چې خپل مو دي.

لنده که ووايو چې زموره هبود په فرهنگي توګه په خپل خان بسيا دي؛ خواوس داسې دودونه زمور فرهنگ ته راغلي دي چې زمور خپل فرهنگ يې پېکه کېږي دي، هغه که د نارينه لخوا وي او که د بسجۇ، خو پېره هڅه د بسجۇ خواته کېږي، چې تر خپل تاثير لاندې يې راولي، حکمه نو افغانې مبرمنې دې هڅه وکړي چې د خپل فرهنگ له پالښت سره زده کېږي وکړي او له خپلو ورونيو سره اوړه په اوړه د یوه اباد پر خان بسيا افغانستان لپاره کار وکړي چې هم خپله او هم نور ورسره اسوده وي.

پردي کېږي هیڅکله خپل مقصد ته ندي رسيدلي. تقلید په تولنه کې دوه ډوله دی چې یو یې مثبت او بل منفي دی له مثبت نه هغه وخت د ګټې تمه وي چې تولنه د خپلو ګلتوري عنعناتو له مخي د بريا په لور روانه کېږي چې راتلونکي ته هم تاوان ونه لري او منفي یې هغه دی چې په اوس محال کې یې تاوان کېږي وي.

افغان مبرمنې که په هره برخه کې زده کېږي وکړي د تولني نيمائي ستونزې به موپايته رسولي وي، هر دانا افغان غواړي د کورنۍ سخينه یې زده کېږي وکړي؛ خو هفو شرایطو ته په پام چې ديني او فرهنگي شعایر يې تر پنسو لاندې نه شي او هغوته په پام قدم پورته کېږي چې هم ئان او هم نورو ته یوه ګټه ورسوي، کنه هیڅکله به هم په هغه دروغجنو وعدو ونه غولپېږي چې وجдан يې نه مني او نه یې هم منلي شي.

اسلامي تولني هغه وخته د زوال په لور قدمونه بدې چې له فرهنگي او عنعنوي خوا پردي شوي او د ځينو کاذبو وعدو ته په تمه پاتې شوي دي. وېښ وجدان او انساني فطرت هیڅکله هم د ګعبې په لار ترکستان ته نه خي او





# خیزش‌های مردمی در صف حمایت از جمهوریت است

اسماء سپهر

زندگی مردم شدیداً مورد تهدید مستقیم تروریستان قرار دارد، قیام مردمی نجات بخش و کارآ است. این نیروهای مسلح بایست در چوکات منظم نظام و با مدیریت و رهبری دولت افغانستان در راستای حفظ تمامیت ارضی کشور و صیانت از ناموس و ارزش‌های انسانی این مردم استفاده گردد. نفس این حرکت و جریان برای رفع آفت طالبانی و تهاجم گران که ضد آرامش مردم افغانستان هستند، قابل ستایش و نیاز روز جامعه و مردم افغانستان است. این قیام‌های مردمی در برابر دشمن مشترک مردم صورت گرفته است و در حمایت از نظام سیاسی جمهوری و ارزش‌های قابل پذیرش عامه‌ی مردم افغانستان شکل گرفته است. اما نگرانی‌های نیز وجود دارد که این جریان‌های خود جوش و درخشش صلات‌های جمعی مردم مورد استفاده سیاسی قرار گیرد و از کنترول دولت و نظام جمهوری بیرون شود.

افغانستان در دهه‌ی نود میلادی پس از فروپاشی نظام جمهوری دموکراتیک به زمامت داکتر نجیب الله، شرایط سیار تلخی را تجربه کرد. این که در خلق آن شرایط کدام عوامل و کی‌ها نقش کلیدی داشت بحثی است که مجال دیگر می‌خواهد، اما به صورت کلی انحصار خواهی و توتالیتیزم قومی قدرت زمینه ساز اساسی آن بحران گردید. با عنایت به تجربه سوزناک گذشته این فصلی از تاریخ کشور را بایست با دقت تمام و با رویکرد

حملات پیگیر گروه طالبان در مناطق مختلف و دست یافتن این گروه به ولسوالی‌های متعدد در ولایات افغانستان، شعاع ناامنی و جنگ را در سطح افغانستان گسترش ده ساخته است. روستا نشینان افغانستان که بیشتر زراعت پیشه، مالدار و باغدار اند بیشتر در ولسوالی‌ها زیست دارند. مردمان فقیر و بی‌بضاعت که از شدت فقر همواره سوخته اند، در این فصل برداشت حاصلات زراعتی شان آفت دیگری را گروه طالبان بوجود آورده است. در مناطق زیادی که جنگ تشدید شده است، بیشترین آسیب را که متحمل می‌شوند مردم روستایی و حاشیه نشینان افغانستان است. گروه طالبان که همواره برای مردم بحران آفرین بوده است، این‌بار با حملات شان مردمان زیادی از خانه‌های شان آواره شده اند، و حتی تلفات جانی نیز بر آنان وارد گردیده است.

با توجه به این شرایط مردم افغانستان مجبور گردیدند در کنار نیروهای دفاعی و نظامی افغانستان دست به خیزش‌های عمومی در برابر طالبان بزنند. این خیزش‌های مردمی در سراسر افغانستان بهویژه در شمال کشور به جریان بسیار بزرگ خود جوش مردمی تبدیل شده است. مردم برای دفاع از حیثیت و خاک شان علیه متجاوزین طالب مسلح گردیده و جبهه‌های جنگی را خلق شکیل داده و در کنار نیروهای ملی دفاعی و امنیتی به خاطر دفاع از نظام جمهوریت به عنوان یک میراث مشترک همه مردم و همچنان



محراق زمانی می‌تواند عملکرد ملی داشته باشد که کار گزاران سیستم نظام سیاسی و تمامی نخبه‌های اجتماعی در این مسیر خیر جمعی قول و عمل داشته باشند.

ما در افغانستان کنونی به عنوان محور بزرگ که همه را بتواند در مدار آن جمع کرد نظام سیاسی جمهوری را داریم، هرگاه این نظام سیاسی با عملکردها و پالیسی‌های ملی گرایانه خویش بتواند حد اقل از خواسته‌های مردم را در گوشه‌های این سرزمین برآورده سازد؛ خطر گرفتاری کشور به آزمون تکرار تاریخ به صفر نقرب می‌کند. لذا خیلی با اهمیت است وقتی قیام‌های مردمی در حمایت از نظام سیاسی که مردم فکر می‌کنند ارزش جمعیست و به یقین چنین هم هست، شکل می‌گیرد، فرصل را نیاید به چالش تبدیل نمود، بل شاهکاری آن است که چالش‌ها را به فرصل‌های بزرگ و همه پسند مبدل ساخت. این انتظار از نظام جمهوری و از کار گزاران آن، از قشر روشن و فرهنگی جامعه امروز افغانستان است که در فضای شکننده گامی برداشته شود که در جهت حفظ افغانستان واحد و آزاد و نظام جمهوری با منطق دموکراتیک باشد. مردم افغانستان در حمایت از نظام جمهوری و مردم سالاری، حفظ ارزش‌های دو دهه اخیر، تقلا برای آرامی و داشتن زنده‌گی با حد اقل از امکانات زیستی و کشور بدون جنگ است. مردم هرگز شرارت نمی‌خواهند، این گروه‌های تروریستی هستند که مردم را در زنده‌گی عادی و فقیرانه‌ی شان نمی‌گذارند.

صف جمهوریت صفت مردم افغانستان است. این تروریستان هستند که زندگی را برای مردم در گوشه‌های این خاک تلخ نموده است و مردم را مجبور به برداشتن تنفس و دفاع از حیثیت و ناموس شان نموده است. دفاع حق مشروع مردم است.

ملی گرایانه مدیریت نمود. این قیام‌های مردمی که علیه گروه تروریست طالب از مناطق مختلف افغانستان و از میان اقوام متعدد این کشور صورت گرفته است، در ابتداء از روی ناچاری بوده است. بدین معنا که مردم با چشمانت شان دیدند و می‌بینند که گروه طالبان بدون در نظرداشت هیچ مرز و احترامی به ساحات و زندگی مردم حمله می‌کند، بنا بر این مردم مجبور شدند که به صورت خود جوش و سراسری علیه طالب قیام را آغاز نمایند. اکنون که قیام‌های مسلحانه از میان اقوام مختلف این سرزمین صورت گرفته است، نیاز مبرم وجودی است که مدیریت شود. وسعت دید و مدیریت قومی و ملی محورانه با برداشت نیکخواهانه از این قیام‌ها سبب خواهد شد، تا این ریسک بزرگ را مهار و تمامی این نیروها به صورت بالفعل در جهت انسجام و اتحاد مردم افغانستان واحد و آزاد استفاده گردد.

درس گرفتن از تحولات دگرگون کننده‌ی تاریخ مربوط به رهبران و مدیران سیاسی و اجتماعی این کشور است، نه به مردم عام؛ زیرا توهه‌های مردمی در کشور همواره در پیروی از راهبردهای زعیمان و مدیران سیاسی قرار داشته است. بدون تردید شرایط کنونی افغانستان خیلی حساس و در شرف تشنجات بزرگ سیاسی، اجتماعی و سیاست‌های منطقه‌یی و جهانی قرار دارد. صف واحد سیاسی جمهوریت از ظرفیت بالقوه خوبی برخوردار است، یعنی این جبهه می‌تواند محور قوی برای تمامی اقوام و افراد ساکن در افغانستان شود، در صورتی که رهبران سیاسی، نخبه‌گان سیاسی، مدیران، چهره‌های علمی و فرهنگی کشور و در نهایت قشر روشن فکر بینش و منش سیاسی ملی محور را از خود تبارز دهند. خلق محوریت برای مردم افغانستان کار خیلی سخت است که خوش‌بختانه این کانون عملاً موجود است. اما این محور و





## په هېواد کې د بسحومي وضعيت کومې خواته روان دی؟ د افغان بسحومي حقوق له گواښ سره مخامنځ دي

محمد صابر ژمن ◆

که خه هم په تبرو دوو لسيزو په افغانستان کې د بسحومي حقوقونو په برخه کې د پام وړ پرمختګونه شوي دي؛ خوبيا هم په وروستيو کلونو کې له هغوي سره د تاوتریخوالي د کچې لورېدو اکثره کسان اندېښمند کړي دي. اوسمهال افغانستان له سترو چلينجونو سربيره هم دغه هېواد په تبرو دوو لسيزو کې د بسحومي حقوقونو په برخه کې د پام وړ پرمختګونه کړي دي. په ۲۰۰۱ کال کې افغانستان ته د نړيوالو څواکونو تر راتلو وروسته افغان بسحومي خل بیا خپل حقوق ترلاسه کړل، چې د طالبانو د واکمنۍ پر مهال یې له لاسه ورکړي وو. اوس د افغانستان اسلامي جمهوري دولت اساسي قانون د بسحومي او سړيو د حقوق برابري تضمینوي. پر دې سربيره فعلاً ۲.۸ ميليونه افغان انجونې زده کړي کوي، چې اوسمهال د افغانستان په دولتي او غیر دولتي اداراتو کې په لوړو بستونو کار او فعالیت کوي.

په داسي حال کې، چې افغان حکومت د بسحومي حقوقونو د تأمین لپاره قانوني چوکاټونه رامنځته کړي دي؛ خوبيا هم پر حکومت باندي نیوکه کېږي چې د دغوه قوانينو د پلي کولو په برخه کې سستي کوي.

د بشر د حقوقونو د نړيوالي اعلامي په سريزه کې راغلي دي چې د بشري کورني د ټولو غرو د ذاتي کرامات او د هغوي د برابر او نه بېلېدونکو حقوقونو پېژندل په نړۍ کې د سولي، ازادي او عدالت بنست جوړوي. همداشان د دې اعلامي په لومړي ماده کې د بشري کورني د ټولو غرو پر یوشان انساني کرامات او حقوقو ټینګار شوي دي. ټول انسانان د خپل کرامات او حقوقو له پلوه آزاد زېړدلي دي، هغوي د عقل او وجودان خینېتن دي او بشائي چې يو له بل سره په خپل او ړيكو کې د ورورولی پر روحیه چلنډ وکړي. په دغه اعلامي کې هر چيرته او په هر وخت کې د انسان د ذاتي کرامات د پېژندلو، منلو او درنواي لپاره لوړي هيلې رانګښتني دي.

په انساني او بشري ټولنه کې کوم چې د نر او بشخي څخه تشکيل شوي او د دوام او بقا سلسله یې د دواړو د وجود په طفیل سره جریان لري، ثبات او اطمنان هلته راتلای شي چې نر او بشخه دواړه په ټولنه کې له خپل انساني او طبقي مساوی حقوقو او انساني مقام څخه برښمن شي، د انسانيت او بشريت په تاریخ کې یوازي همدا اسلام دي، چې انساني مقام او انساني حقوق ورکړي دي.

له ناوړه وضعیت سره مخ ده؛ مګر بیا هم دغه ارقام په دې معنا نه دي، چې په هېواد کې د بنخو پر وړاندې د تاوتریخوالي پر زیاتبدونکو پېښو چوب پاتې شو. افغانستان یو دودیزه او مذهبی ټولنې ده او دېره برخه خلک یې بېسواډه او د بنخو له هغو حقوقو چې اسلام ورکړي بې خبره دي. همدا لامل دي، چې بنځي له خپلو طبیعی او اسلامی حقوقو بې برخې پاتې شوې دي، آن د بنځي له خوا د میراث غوبتنه ترا اوسه یو عیب او پېغور ګنبل کېږي!

تر اوسه په هېواد کې افغانې بنځي ته هغه حقوقه نه دې ورکړل شوې، چې د هغې لپاره په اسلام کې تاکل شوې دي، په بل اړخ کې لېبرالي حلقو هڅه کوي، چې افغانه مېرمن له خپلې ټولنې او خپل طبیعی حالت خڅه پردي کړي. دغه دواړه حالتونه د افغانې بنځي لپاره تباہ کونکي دي او باید افغانه بشئه له دغه ګرداده خڅه را وايستل شي.

زمور په هېواد کې پخوا هم د بنخو پر وړاندې تاوتریخوالي موجود و؛ خود دغو قضیو د ثبتولو کوم نظام نه او دېږي پېښې به همداسي پېښې پاتې کېږي. البته اوس د بنخو پر وړاندې د تاوتریخوالي ضد ادارو، قانونونو او پراخور سنیو له کبله دغه پېښې تر یوه بریده روښانه کېږي او شتېږي.

افغانې بنځي اوس هم په پراخ دول له تبعیض خڅه کړیږي. په دغو اقداماتو کې په وړوکوالی کې د انجونو ودول، عامه ژوند ته په خاصه توګه د زده کړي، رسمي کار او سیاسي وندې په برخو کې د بنخونه لاسرسی، شامل دي.

افغان بنخو سره په تاوتریخوالي کې فریکي، روانې، اقتصادي او تولنيز تاوتریخوالي شامل دي، چې اوس هم په افغانستان کې اکثره بنځي د هدفي وژنو بشکار کېږي. د بنخو پر وړاندې سخت تاوتریخوالي د هغوي په ضرر د ټولنې تصویبېدل د دې خبرې خرګندويي کوي، چې د تېرو دوو لسیزو لاسته راونې اوس له ګوابن سره مخامنځ دي.

همدارنګه له بنخو سره تاوتریخوالي، د نړۍ تر یوې سیمې او یا یوه هېواد پوري محدوده ستونه نه ده؛ بلکې دغه بشکارنده په ټولو څایونو او په ځانګړي دول په لوبدیزه نړۍ کې هم شته دي. د بېلګې په دول په ۲۰۱۳ کال کې په اروپاې ټولنه کې تقریباً ۱۳ میلونه بنځي له فزيکي تاوتریخوالي سره مخ او تقریباً ۳.۷ میلونه بنځي بیا له جنسی زور زیاتي سره مخ شوې.

دا پورته ارقام مویوازې په دې موخه وړاندې کړل، چې د بنخو پر وړاندې تاوتریخوالي یوازې تر یوې سیمې پوري محدوده نه دي؛ بلکې بشئه په لویدیخ کې هم

# حق تعلیم زن از دیدگاه اسلام

پوهنیار لمی خارن مهتاب سادات

پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده: {طلب العلم فريضة على كل مسلمة}

وقتی علم در دیدگاه اسلام نور و بینایی است دستیابی به آن بر هر مسلمانی فرض است، آیا می‌توان گفت که از نظر اسلام تنها بر مردها لازم شده که از ظلمت خارج شوند و به روشنایی برسند، اما زنان چنین وظیفه ای ندارند و باید همچنان در ظلمت جهل و نادانی باقی بمانند؟!

آبی دیگری درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: ترجمه؛ پیامبر آمده است که آیات قرآن را بر مردم بخواند و روح آن‌ها را تزکیه کند و به آن‌ها کتاب و حکمت بیاموزد.

در آیه «تزکیه» و «تعلیم» با هم ذکر شده و به صیغه مذکور آمده است. آیا می‌شود یزکیهم ویعلمهم را منحصر به مردان دانست؟!

فقها می‌گویند بعضی عمومیات و کلیات از «تخصیص» ابا دارد و لحن و بیان به گونه‌ای است که قابل تخصیص نیست و مطلب آن چنان است که برای عقل قابل تعیین نمی‌باشد. مثلاً درباره علم و تقوی آمده است: آیا کسانی که دانا و عالم هستند با کسانی که نادان و جاهلند، مساوی هستند؟ درباره «تقوا» نیز چنین فرموده: ترجمه؛ آیا آن‌های که ایمان دارند و عمل صالح انجام داده اند، آن‌ها را مانند



فساد انگيزها قرامی دهیم و آیا پرهیزگاران و فاسقان را مانند هم قرار می‌دهیم؟

و باز فرموده: ترجمه؛ هر آینه گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزگار ترین شماست.

در همه این موارد صیغه‌ها مذکور است. آیا می‌توان ادعا کرد، آنچه درباره «تقوا» گفته شده اختصاص به مردها دارد و شامل زنان نیست؟ در این صورت زن‌ها باید از کلیه احکام و فرایض معاف باشند؛ هرگز. زیرا این تعبیرات اطلاق دارد و مقید به رجولیت نیست و اختصاص از آن فهمیده



از آنجایی که شمار دانشمندان زن در تاریخ نظام آموزش اسلامی در مقایسه با مردها کمتر است، بعضی‌ها پنداشته اند که در اسلام محدودیتی درباره تحصیل زنان و دختران وجود دارد. زنان دانشمندی که کم و بیش نامشان در تاریخ برده شده به طور غیر رسمی تحصیل کرده اند و شیوه آموزشی اسلام ویژه مردان است.

اسلام مرد و زن را در تدبیر شؤون زنده‌گی به وسیله اراده و کار، مساوی می‌داند، از این رو هر دو در تحصیل احتیاجات زنده‌گی و آن چه مایه قوام حیات انسانی است یکسان می‌باشند. زن می‌تواند همانند مرد مستقل کارکند و مالک نتیجه کار و کوشش خود شود. در صدور فرمان الهی فرقی بین زن و مرد نیست مگر در احکامی که ویژه یکی از ایشان است.

تحصیل علم و کسب دانش نیز از احکامی است که زن و مرد در آن مشترک می‌باشند و هرگز دین اسلام جنس را سد راه دانش اندوزی نمی‌داند. مرحوم علامه طباطبائی در تفسیرالمیزان، پس از نقل سرگذشت تأسف بار زن در طول تاریخ می‌گوید: زن در تمام احکام عبادی و حقوق اجتماعی با مرد شریک است و در هر امری که مرد استقلال دارد، مانند؛ ارث، کسب، معامله، تعلیم و تربیت و دفاع از حقوق و غیره، زن هم مستقل است، مگر در مواردی که با مقتضای طبیعتش مخالف باشد.

**حق تعلیم زن از دیدگاه اسلام:** تمام آیات و روایاتی که درباره تحصیل علم و دانش وارد شده، همانند «یا ایها الناس» و «یا ایها الذين آمنوا» عمومی است. و شامل زن‌ها هم می‌شود. اسلام «علم» را نور و «جهل» را ظلمت و علم را بینایی و جهل را کوری می‌داند. در قرآن کریم آمده است: ترجمه؛ بگو آیا چشم نابینای جاهل و دیده بینای عالم یکسان است؟ آیا ظلمات و تاریکی جهالت بانور علم و معرفت مساوی است؟ در آیه دیگر آمده است: ترجمه؛ آیا آنان که به سلاح علم مجهزند با آنان که با جهل و نادانی دست به گریبانند، با هم برابرند؟ فقط اندیشمندان تفاوت این دو گروه را درک می‌کنند و امتیاز آنان را باز می‌یابند.



© InterAction/Photoshot/M. Arghand

پس حفظه، خواندن و نوشتن می‌دانسته است و نام او را جزء دارنده‌گان مصاحف ضبط کرده‌اند.

از این جریان معلوم می‌شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای زنان خود معلم زن انتخاب کرده بودند، این عمل پیامبر برای آموختن به دختران و زنان الگو و نمونه‌ای شد و دیری نپایید که در مدینه افراد باسواد روبرو به فروزنی نهادند و آمار باسوادها به طور چشم‌گیری بالا رفت، در میان زنان و دختران کسانی پیدا شدند که خواندن و نوشتن را فرا گرفتند.

ابن حجر عسقلانی در کتاب خود (الاصابه) از تعدادی ۱۵۵۲ نفر، ابن اثیر در کتاب «اسدالغابة» بیش از هزار نفر از زنان صحابه رسول خدا نام می‌برند که مصادر فقه و حدیث و تفسیر و تاریخ و سیره بوده‌اند و هر کدام مانند مردها به علوم مختلف وارد بوده‌اند. در عین حال امروزه از برکت نظام جمهوری اسلامی بستر مناسبی برای آموزش زنان چه در زمینه علوم اسلامی و علوم دیگر فراهم آمده است و تعداد محصلان و تحصیل کردگان زنان افزایش بسیاری یافته است.

#### منابع و مأخذ:

- قرآنکریم.

- میرزا محمدحسین نائینی، منیة الطالب، نگارش موسى نجفی خوانساری، قم، مؤسسه النشرالاسلامی، ۱۴۱۸، ص ۱۰۶.

- علی اصغر مدرس، حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر، تبریز، نوبل، ۱۳۷۵، ص ۲۷.

- مقاله استاد شهید مطهری در کتاب «گفتار ما» سال دوم، ص ۱-۱۲۲.

- الاصابه، کتاب النساء، ص ۶۱۹ و تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۲۸ و طبقات ابن سعد، ج ۸، ص ۱۹۶.

- فتوح البلدان بلاذری، ص ۴۵۹-۴۵۸، طبع مصر.

- تاریخ قرآن، دکتر رامیار، ص ۳۸۵.

نمی‌شود. «مسلم» یعنی: مسلمان، چه مرد باشد چه زن. علاوه بر آن در همه نمونه‌هایی که شبیه این تعبیرهست، همین طور عمومیت دارد.

تنها در مجموع روایات کتب حدیثی دو روایت آمده که از آموزش کتابت و سوره یوسف نهی کرده است. این دو روایت اولاً از حیث سند دارای اتقان نیستند و ثانیاً جنبه ارشادی و اخلاقی دارند. افزون بر آن در هر دو روایت به آموزش سوره «نور» سفارش شده است که خود گواه تأکید برآموختن است.

استاد شهید مطهری نیز درباره آموزش زنان می‌فرمایند: «خداؤند فکر واستعداد درس خواندن را و میل و شوق به آن را همان طور که در مرد قرار داده، در زن هم قرار داده و منع او چیزی جزگلوی استعداد خدا دادی را گرفتن نیست». آموزش زن در عصر پیامبر اکرم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهاد مقدس پیکار با بسی سوادی را از خانه خود آغاز کرده بود. بلاذری با سندروایت می‌کند که هنگام ظهور اسلام در مکه تنها هفده نفر با سواد بودند. وی پس از شمردن اسامی آن‌ها، از یک زن قریشی نام برده که در دوره جاهلیت مقارن ظهور اسلام خواندن و نوشتن می‌دانست. نام او «شفا» و دختر عبدالله بن عبد شمس بود. این زن مسلمان شده بود و از مهاجران اولیه و از زنان فاضله به شمار می‌رود.

بند اول؛ بلاذری می‌گوید: این زن همان است که به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به حفظه همسر پیامبر کتابت آموخت.

بلاذری آنگاه چند زن از زنان مسلمان را نام می‌برد که در دوره اسلام، هم می‌خوانند و هم می‌نوشتند و یا تنها می‌خوانند. او نام «حفصه» دختر عمر، «ام کلشوم» دختر عقبه بن ابی معیط «عاشه» دختر سعد، «کریمه» دختر مقداد و بالاتر از همه «شفا» دختر عبدالله بن عدویه را می‌نگارد. شفا به حفظه درس می‌داد و پیامبر از او خواست تا به حفظه پس از زناشویی با پیامبر همچنان درس بدهد.



# هځه داه چې طالبان په ځلکو او هېبادل

دعا

لیمه علیزی ◇

کې چې د هېباد نسوی نسل له مهمو مضامينو له تدریس خخه لري پاتې شي، نو طبیعی ده چې له هېباد سره يې د محبت احساس کم وي، چې پایله کي یوازنی طمع او توقيع چې له دوي خخه کېږي هغه د خپل خان او هېباد پر وړاندې بې پروايي ده او په سخت حالت کې د طالبانو په خبر د نورو په اشاره وسلې ته لاس وړاندې کوي او هېباد له ویجاړي سره مخ کوي. خنګه چې کوچنيانو ته په ماشومتوب کې ذهنیت ورکول کېږي، ياد ذهنیت تر ایده له دوي سره مل وي؛ مگر دا د فرهنگ جوړونی په باب یو دوامداره پروګرام رامنځته شي؛ ترڅو یاد خطا ایستلي اشخاص یو خل بیا هېباد پالني ته وهخوي، د خلکو او هېباد خدمت ته يې چمتو کېږي چې د ياد کار ترسره کول زیات وخت ته اړتیا لري.

هغه طالب جنګیالي چې د طالبانو په لیکو کې اوسمهال جګړه کوي له همدي خلا خخه یې ګټه پورته شوې. هغوي د هېباد پالني او د ژوند مهارتونو په اړه خه نه پوهېږي؛ حکه چې د هېباد تر ویجاړولو وروسته يې بیا هم وجودن ټکان نه خوري، دا په دوي کې د هېباد پالني خلا ده چې پل او پلچک ویجاړوي، عامه تاسیسات لکه ودانۍ او د برق پایې له منځه وړي، معادن چور کوي، د مخدره موادو کښت او قاچاق کوي او همدارنګه په لویو لارو کې له بار وړونکو موټرو خخه باج ګیري هغه خه دې چې په ترسره کولو سره يې بیا هم د

د نړیوالو خواکنو له وتلو سره سمه د توقع خلاف طالبانو د دې پرځای چې سوله يې انتخاب کېږي واي جګړې ته يې زور ورکړ. طالبانو د خپلې غلطې محاسبې پر اساس چې فکر يې کاوه خپلې کنترول لاندې سیمو ته پراختیبا ورکړي؛ بلکې له سختې ماتې سره مخ شول. د تاوتریخوالي له زیاتوالی سره سمه ملي پاځون رامنځته شو او خلکو د طالبانو پر وړاندې وسله راپورته کړه.

طالبان د سیمو تر نیولو وروسته لومړنی کار چې ترسره کوي هغه په درسي نصاب باندې محدودیت وضع کول دې چې په دې سره غواړي زده کوونکې د خپلې روحی پر اساس وروزې. ځینې ولسوالۍ او سرحدې سیمې چې نوی د طالبانو تر ولکې لاندې راغلي داسي راپورنه ورکول کېږي چې یادو سیمو کې پاکستانی نصاب تدریس کېږي البته هغه سیمې چې له ياد هېباد سره په پوله وي، هغه مضامين چې د خلاقیت او ابتكار سبب کېږي له درسي نصاب خخه لري شوي او پر ځای یې افراطی نظریې درلودونکې مضامين ځای پر ځای شوي دي.

لكه خنګه چې د بادغیس والي حسام الدین شمس د یوې خبرپایې په خپرولو سره خرگنده کېږي چې طالبان تر خپل ولکې لاندې سیمو کې له درسي نصاب خخه د هېباد پالني او د ژوند مهارتونه نومې مضامين لري کېږي، په داسي حال



ملت په تنگ راخي، دري کې متل ده چې وايې (به تنگ امده جنګ امد) کله چې خلک د دوي ظلم او محدوديتوونو خخه په تنگ راغل؛ نو پر وړاندې يې وسله پورته کړه او د دېرو کمو مهماتو په واسطه يې طالبان له خپلو سيمو پر شا وتمبول.

اوسم باید ملت ته روبانه شوي وي چې ملي پاخون کوونکي کولاي شي چې د کمو مهماتو په وسیله طالبانو ته ماتې ورکړي؛ نو د شک پرته امنیتي څواکونو چې په عصری وسلو سمبال دی او په لوره کچه تمريناتو خخه هم برخمن دي کولاي شي چې د دونبمن ناواره موخي په څرک سره له منځه یوسې.

په یاد لرو چې د مذاکراتو د بن بست او د ترکيې غوندي د جورې دو په درشل کې د طالبانو یوه ويأند رسنيو ته وویل چې دوي د اسلامي نظام غوبښونکي دي؛ ځکه چې ملت يې غواړي، په دې مرکه کې طالبانو غوبښتل ترڅو خپل لورې نړیوالو ته یوه ملي ډله وروښي؛ مګر اوسم ګورو چې د ملت له لوري په شمالی ولسواليو کې د طالبانو ماتول دا په ډاګه کوي چې دوي نه یوازي دا چې په ټولنه کي خاڼه نه لري؛ بلکې یوه داسي وسله واله ډله ده چې د جګړي او ويخاري پرته بل خه سره اشنایي نه لري.

طالبانو پر ولسواليو باندي بربد کولو سره خپل خان هبودالو او نړیوالو ته رسوا کړ. اوسمهال هبودالو او تولني ته روبانه شوي چې له دې وروسته دوي نشي کولاي خپل ځانونه د هبود استازي وبولي، له دې خرګندېږي هغه دام چې د امنیتي څواکونو له لوري ورته اینسول شوی وو، دقیق او حساب شوی پلان وو او همدارنګه هغه درانه تلفات چې دې وروستيو کې طالبانو ته وارد شوي بیانشي کولاي چې د پرمختګ دعوه وکړي.

دوی ضمير ویده ده. د ژوند له مهارتونو خخه یوازي د اسلحې استعمال، قتل او په ټولنیزو څایونو کې د ماینونو ځای پر ځای کولو سره بلدیا لري، پرته له وينې تویدنې بل خه سره اشنایي نه لري. طالبانو تر خپلې ولکې لاندې سيمو کې د یادو مضامينو په لري کولو سره غواړي چې نوی نسل په خپلې افراطي روحيې سره وروزې. لکه خنګه چې دوي هم کوچنیان ول او د کوچنیوالی له پاک ضمير خخه يې ناواره ګته پورته شوه، د ژوند تهداب او بنسټ يې داسي جور کړل شو چې د قتل او جګړي خخه پرته بل خه نه پېژنې او د یادو کارونو له ترسره کولو وروسته بیا هم د جنت خوبونه ګوري. دا خیالات په دوي کې په خپلې نه دی پیدا شوي؛ بلکې همداسي دروغینه روحيه ورکړل شوې چې هېڅ واقيعت نه لري. له دې سره د افغانستان خلک د طالبانو له دې ناواره کرنو او نورو بلګو په لېدلو اوسم پوهېږي چې څرنګه له دوي سره مقابله وکړي او هېڅ کله به دې دلې ته اجازه ورنکړي چې د هې بواس پر سيمو ولکه پیدا کړي، دوي چمتو دی چې د ژوند تر پایه د دوي پر وړاندې ودرېږي او اجازه به ورنکړي چې اولادنو يې د هغوي په خېر په غلطه لار ولاړ شي.

یاده ډله لا تراسه د خلکو پر وړاندې مستقيم نه وو راځرګند شوي چې ترڅو ملت غوشه يې ازمولې وي؛ مګر داسي بنکاري چې د طالبانو لخوا د ولسواليو سقوط کول د امنیتي او دفاعي څواکونو له لوري طالبانو ته هغه دام وو، چې که یاد مو وي امنیتي څواکونو د تکتیکي شاتګ خبره کوله ممکن د امنیتي څواکونو تکتیک همدا وو، چې ترڅو ملت ته د دوي خبره برښده کړي. د امنیتي څواکونو له دام خخه دوي داسي غافله ول چې دوي له جګړي پرته د ولسواليو نېټولو ته خوشحاله ول او تر خپلې ولکې لاندې سيمو ته يې د فتحې نوم ورکاوه؛ مګر دوي نه پوهېدل چې له دې کار سره به يې



# د اسلام مبارک دین په راتلو سره بسخی ته يې هغه تول حقوق ورکړل چې ورته په خپل انساني ژوند کې اړتیا درلوده

◇ محمد صابر ژمن

په لنډ ډول اشاره کوو:

۱- د ابو هریره رضي الله عنه نه روایت دی چې یو سپری رسول الله صلي الله عليه وسلم ته وویل: زباده - چې خوک پرما باندي ډپر حقدار دي، په بنه ملګرتیا کې؟ رسول الله صلي الله عليه وسلم ورته وویل: ستا مور هغه سپري بیا وویل خوک؟ رسول الله صلي الله عليه وسلم وویل: ستا مور هغه سپري وویل بیا خوک؟ رسول الله صلي الله عليه وسلم وویل: چې ستا مور هغه سپري وویل بیا خوک؟ رسول الله صلي الله عليه وسلم وویل: چې ستا مور هغه سپري وویل ستا پلار! دا د بسخو لپاره یو لوی شرف، عزت او افتخار دي، چې رسول الله صلي الله عليه وسلم هغوي درې خلې مکراراً ډپر حقدار د بنه ملګرتیا او بنبې معاملې بولي او نارینه يې په خلورمه درجه کې حقدار گنلي دي. (مشکوكة صفحه ۴۱۸)

۲- د ابو هریره رضي الله عنه نه روایت دی چې رسول الله صلي الله عليه وسلم وفرمایل: زباده - یو بل ته د بسخو په اړه بنه وصيت او سپارښتنه وکړي؛ سبحان الله! وګورئ چې د اسلام مقدس دين

د اسلام مبارک دین خخه وړاندې تول بشريت د جهالت په تياره کې ايسار ووه، چې نوره د انسانيت لاره هم تري پاتې ووه او د وحشت او حيوانيت په لور يې مزل پيل کړي ووه، ځينو خويې په انسانيت هم شکمن، تر دي چې ژوندې يې په ځمکه خښولي او د ژوند کولو حق يې هم تري اخيستي وو او داسي نوري په لسګونو ناخوالې وي چې د بسخې سره د نارينه لخوا ترسره کېږي؛ خود اسلام مبارک دين په راتلو سره تول بشريت د جهالت له توري تيارې راووت؛ بلکې بسخې ته يې هغه تول حقوق ورکړل چې بسخې ورته په خپل انساني ژوند کې اړتیا دلوده. اسلام بسخو د ټولنې جورونکې وبلله او هغه يې د کور نیکمرغه، د نارينه جامه، د نارينه او دوزخ ترمنځ پرده وګنله، اسلام نارينه ته امر وکړ چې د بسخې سره بنه چلنډ وکړي. اسلام بسخې ته په ټولنه کې د بالازښته موجود په حيث قايل شو، هغې ته يې عزت، وقار او درنښت ورکړ او دي ته ورته نور ډپر حقوقه شته چې د بسخې لپاره د اسلام مبارک دين ورکړي دي چې ځينو ته يې په لاندې توګه



- کمال ته چې د بسخو په خیر او صلاح باندي خومره دېر اهتمام کوي، رسول الله صلي الله عليه وسلم خپل تول امت ته امر کوي چې یوبل ته د بسخو په باره کې بشه وصيت وکړئ یعنې یوبل ته پر بسخو باندي د رحم او د هغوسه د نیکې رویې په باره کې وصيت وکړئ. (مشکوكة صفحه ۲۸۰)
- ۳- د معاویه بن جاهمه رضي الله عنه نه روایت دی چې رسول الله صلي الله عليه وسلم ته یو کس راغی او ورته یې وویل: ژباهه- ای رسول الله ما اراده کړې چې غزا ته لار شم او تاته راغلی یم چې ماته مشوره راکړې، رسول الله صلي الله عليه وسلم ورته وفرمايل آیا مور دې شته؟ هغه وویل: هو، رسول الله صلي الله عليه وسلم وفرمايل چې د هغې خدمت وکړه؛ حکه چې جنت د هغې د پنسو لاندې دی. (مشکوكة صفحه ۴۲۱)
- ۴- د انس رضي الله عنه نه روایت دی چې رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمایلی دی: ((الجنة تحت اقدام الامهات)) ژباهه: جنت د مورگانو د قدمونو لاندې دی. (مشکوكة صفحه ۴۲۱)
- سبحان الله! د اسلام مقدس دین ته چې د بسخو په حقوقنو باندي خومره دېر اهتمام کوي رسول الله صلي الله عليه وسلم د هغود حقوقنود ضایع کولو خخه خومره په سختي سره خلک منع کوي.
- ۵- د عایشې رضي الله عنها نه روایت دی چې رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمایلی دی: ژباهه- چاته چې الله جل جلاله لورگاني ورکړۍ او دې ورسه احسان کړۍ وي یعنې د هغو بنه خدمت، پالنه او تربیه یې وکړې؛ نو دغه لورگاني به یې د ده او د دوزخ د اور ترمنځه به د یوې پرداې په شان وي یعنې دغه لورگاني به د دوزخ له او رخخه د د نجات سبب شي. (مشکوكة صفحه ۴۲۱ الادب المفرد صفحه ۴۱ جلد ۱)
- له پورتنيو احادیثو خخه داسي جوټري چې د اسلام مبارک دین د بسخو مقام، منزلت، ارزښت، وقار او عزت ته خومره ارزښت ورکړۍ، مونږ ته هم لازمه ده چې د بسخو حقوقنوته درناوی وکړو د هغود حقوقنوه په لاسته راوړلو کې په مکمله توګه د هغو ملاتړ وکړو چې ټولنه مو د یوې بسیا او پر مختګ نمونه وګرځي.



# جامعه مدنی و مفهوم آن

## ◇ نیکمل ساعی

در عصر (رنسانس) مفهوم جامعه مدنی حیات جدیدی می‌یابد. جامعه مدنی یکی از بحث برانگیزترین مفاهیم در آن زمان بود که در لفظ، مشکل از اجتماع و مدنیت است. جامعه، جمعی از افراد اند که ارتباط معنادار و کنش متقابل میان آنان وجود دارد و مدنی کلمه عربی است که به مفهوم شهرنشینی استفاده می‌شود؛ به طورکل جامعه مدنی (مفهوم زنده‌گی اجتماعی شهری را می‌رساند).

تعريف‌های متعددی از آن صورت گرفته که هر یک از جایگاه خاص برخورداراند. کامل‌ترین تعریف از جامعه مدنی عبارت است، مجموعه از نهادهای فعال، تشکل‌های صنفی، اجتماعی و سیاسی قانون‌مند و مستقل که معکس کننده دیدگاه‌های افراد جامعه به نظام سیاسی حاکم اند و واسطه بین دولت و مردم می‌باشند، این نهادها ضامن نهادینه شدن آزادی و بسط مشارکت مردمی می‌باشند که در مهار قدرت‌های خود کامه، نقش اساسی را ایفا می‌کنند.

مسئله قابل توجه، فرق قائل شدن میان جامعه مدنی و جامعه سیاسی است، زیرا هر دو نقش سیاسی بازی می‌کنند و در تلاش اند بر سیاست گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های حکومتی و

مفهوم جامعه مدنی، در برابر واژه انگلیسی «Civil Society» و فرانسوی «Civil Societe» به کار می‌رود. کلمه «Civil» از واژه لاتین «Civis» مشتق شده است که در دوران قدیم به معنای «جامعه شهرنondان» به کار می‌رفت.

جامعه مدنی فرهنگ سازش برای توافق است، این جامعه قانون‌مند رابطه‌ی حکومت با مردم و روابط افراد با حکومت را تنظیم می‌کند.

جامعه مدنی از پیچیده ترین مفاهیم سیاسی- اجتماعی عصر حاضر است که با وصف وجود تعبیرهای زیاد از آن تا هنوز دانشمندان به یک تعریف عمیقاً جامع دست نیافته اند و در کنار آن تا هنوز شک و تردیدهای به خاطر هم سوبودن آن با نوعیت نظامهای حاکم در جهان وجود دارد. اما از سازوکارها و مولفه‌های جامعه مدنی و دموکراسی برمی‌آید که میانه جامعه مدنی با دموکراسی خوب تر از سایر سیستم‌های حکومتی است، این دو در کنارهم زود تر می‌توانند جامعه را به نبوغ و شعورسیاسی برسانند.

مفهوم جامعه مدنی در تاریخ اندیشه سیاسی، از نقش دیرینه بر خوردار است، اما نخستین بار این مفهوم در نوشته‌های سیاسی روم باستان دیده شده است، سپس با شکل گرفتن ذهنیت مدرن



وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است، تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکت‌های اجتماعی تعریف می‌شود (<http://bayani-sociology>). از این منظر، مشارکت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با جامعه مدنی پیدا می‌کند. با این وصف، اندیشه جامعه مدنی بر اساس حضور مردم در صحنه و اصل نفع و مصلحت همه‌گان است.

مشارکت اجتماعی برای تحقیق، نیازمند بستری مناسب است و بدون آن جریان نمی‌باید. بستر مناسب برای مشارکت اجتماعی مردم، تقویت جامعه مدنی و نهادها و فرایندهای وابسته به آن است. اساساً رمز موقفيت جامعه مدنی در ایجاد و نهادينه کردن نهادهای مشارکتی نهفته است و نیز مشارکت واقعی مردم به تقویت جامعه مدنی منجر می‌شود. ویژه‌گی‌های داوطلبانه، آگاهانه و ارادی بودن، مشارکت اجتماعی را به جامعه مدنی پیوند می‌دهند. انجمن‌های داوطلبانه بستری مناسب برای جذب مشارکت اجتماعی فراهم می‌کنند. اتحادیه‌های صنفی، احزاب سیاسی، بنگاه‌های اقتصادی، خصوصی، شرکت‌های تعاونی، گروه‌های هنری، مطبوعات، مؤسسات خیریه و حتی اجتماعات محلی مشتمل بر ساکنان یک خیابان و محله می‌توانند مثال‌هایی از نهادهای مدنی باشند. (دانشمندی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۰)

تشکل‌های مشارکتی از یک طرف با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هر چه بیشتر آن‌ها را به جامعه فراهم آورده و مشارکت فردی در امور اجتماعی را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر، با بسط شبکه‌های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می‌کنند. جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی: جامعه مدنی دو نوع؛ سنتی و مدرن، در همه کشورها، صنعتی یا در حال توسعه، شبکه‌هایی از تجمع‌ها، اتحادیه‌ها و سازمان‌های خیریه غیر منظم وجود دارد که می‌توان از آن‌ها به عنوان نهادهای جامعه مدنی سنتی نام برد. جامعه مدنی سنتی به طور عمده به صورت غیر رسمی، گاهی از طریق شبکه‌هایی از ارتباطات و گاهی از طریق پیروی از الگوها و نمونه‌هایی که از گذشته‌های دور باقی است، سازماندهی شده، واز ساختار و تشکیلات رسمی کمتر بهره می‌برد. این نوع جوامع مدنی، وقتی دولت ضعیف باشد از قوت بیشتر برخوردارند و می‌توانند به نیازهای مردم پاسخ داده و در راه ایجاد و تقویت «سرمایه اجتماعی» مؤثر واقع شوند.

جامعه مدنی مدرن بیشتر توسط سیاست‌های کشورهای دموکراتیک شکل می‌گیرد. اما در هر کشوری با فرهنگ و قانون اساسی و دیگر قوانین رایج در آن کشور وفق داده می‌شود. همچنان جامعه مدنی به عنوان یک ضرورت مصلحتی و اصطلاح مورد بحث با کاربرد نارسا و کوتاه بینانه بود که مفهوم آن در این واخر به رشد، تقویت و توسعه مردم سالاری / دموکراسی پیوند یافته و در قالب مجموعه‌ی از سازمان‌های غیر دولتی (NGOs) با مرزهای مشخص و جدا از دولت و خانواده تعریف شده است. بنابر این جامعه مدنی در این کاربرد، به تعدادی از افرادی اطلاق

بازیگران عرصه سیاست تأثیر گذارد. درباره رابطه میان جامعه مدنی و جامعه سیاسی، به رغم این که عده‌ای احزاب سیاسی و سازمان‌های غیرحکومتی را هم دیف و گاهی به یک معنی به کار می‌برند، باید گفت که نهادها و سازمان‌های جامعه مدنی در صدد به دست گرفتن حکومت نیستند، بلکه می‌کوشند بر سیاست‌گذاری‌ها به نفع مردم تأثیرگذار باشند، در حالی که نهادها و سازمان‌های جامعه سیاسی می‌خواهند حکومت را در دست گیرند.

نهادها و سازمان‌های جامعه مدنی می‌کوشند صدای شهروندان را به گوش مسؤولان برسانند، در حالی که نهادها و سازمان‌های جامعه سیاسی، تشنۀ قدرت هستند.

کشورهای کمک دهنده و سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند نهادهای جامعه مدنی را کمک کنند تا از ارزش‌های دموکراتیک دفاع نمایند، در حالی که این کشورها و سازمان‌های نمی‌توانند سازمان‌های سیاسی را کمک کنند، چون این مسئله مداخله در امور داخلی کشورها به حساب می‌رود.

جامعه مدنی، حوزه‌ای مستقل و سازمان یافته است و همان طور که تنظیم رفتار شهروندان و محدود کردن مداخلات دولت را بر عهده دارد، حلقه واسط ارتباط دولت با مردم نیز به شمار می‌آید. به بیان دیگر، جامعه مدنی حیطه‌ای خارج از خانواده، دولت و کسب و کار است. اگر خانواده را حیطه خصوصی بدانیم، می‌توانیم دولت را حیطه حاکمیت و اعمال قانون و بازار را حیطه اقتصاد تلقی کنیم، بین این عرصه، حیطه‌ای می‌ماند که متعلق به اجتماع است و آن را حیطه عمومی یا حیطه اجتماعی یا همان جامعه مدنی می‌نامیم.

جامعه مدنی و مشارکت مردمی: شهروندی و جامعه مدنی دو مفهومی است که همواره با یکدیگر همراه بوده‌اند، در همین راستا بسیاری از اندیشمندان، جامعه مدنر را جامعه مدنی می‌دانند، زیرا مهم ترین ویژگی جامعه مدنر، پیوستگی تفکیک ناپذیر آین شهروندی و مشارکتهای مدنی است و در مرکزی سیاسی-جغرافیایی به نام شهر اتفاق می‌افتد. در حالی که حرکت مردم در روند رو به رشد حیات مدنی به سمت تکوین جامعه مدنی است، از مفهوم «town» به مفهوم «city» می‌رسیم.

قهرمان اصلی جامعه مدنی، شهروندی است که مشارکت از جمله حقوق اساسی وی به شمار می‌رود. شهروندی به معنی سطح برقراری ارتباط با نهادهای جامعه و توانایی تحلیل مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همراه با مراقبت از محیط زندگی خود است؛ مانند دانستن اسامی مدیران شهری، پذیرش مسئولیتهای اجتماعی و ... شهروندی یکی از نقشه‌های اجتماعی اصلی افراد در جامعه مدنر است ([www.verdinejad.com](http://www.verdinejad.com)).

مشارکت اجتماعی نیز بر گستردگی روابط بین گروهی در قالب انجمنهای داوطلبانه، باشگاهها، اتحادیه‌ها و گروههایی دلالت دارد که عموماً خصلتی محلی و غیردولتی دارند. تعداد و گسترش سازمانهای محلی و غیردولتی در یک جامعه شاخص و گویای

بخش بازار، که بخش خصوصی نیز نامیده شده است با هدف انتفاعی فعالیت می‌کند و منابع آن نیز از دارایی خصوصی تأمین می‌شود. این منابع از طریق تجارت و داد و ستد به دست می‌آید.

سومین بخش نیز، بخش دواطلبانه یا بخش شهروندی (جامعه مدنی) است که بر اهداف زیر استوار است:

الف: فشار بر بخش حکومت و بخش بازار برای پاسخ‌گویی به شهروندان،

ب: توانمندسازی شهروندان برای اشتراک مساعی،  
ج: ارتقای سطح زنده‌گی شهروندان.

مهمترین منابع این بخش، فرصت‌ها، هدایا و کمک‌های شهروندان است. این منابع از طریق ارزش‌ها و تعهد مشترک با سایر شهروندان تأمین می‌شود.

انواع سازمان‌هایی که در جامعه مدنی وجود دارند عبارت اند از؛ سازمان‌های حمایتی و گروه‌های حقوق بشر، ائتلاف‌های محلی، سازمان‌های غیر حکومتی، سازمان‌های محلی، اتحادیه‌های زنان، جنبش‌های بومی، انجمن‌های مذهبی، فدراسیون‌های جوانان، اتحادیه‌های تجاری و مصرفی، رسانه‌ها، اتاق‌های تجارت و نهادهای پژوهشی و گروه‌های ادبی. همچنان جامعه مدنی به دو بخش عمده تقسیک شده است که عبارت از نهادهای جامعه مدنی و سازمان‌های جامعه مدنی، شامل مطبوعات، پوهنتون‌ها، رسانه‌ها و ... نهادهای جامعه مدنی هستند.

سازمان‌های جامعه مدنی، انواع متفاوتی از سازمان‌هایی هستند که از طریق آن‌ها شهروندان با هم اشتراک مساعی می‌کنند. برخی از این سازمان‌ها فقط به اعضاء و برخی دیگر به غیر اعضاء و به کل مردم خدمت ارائه می‌کنند.

می‌شود که به سازمان‌های غیردولتی سازمان یافته، رسمی و تخصصی وابسته اند یا برای این سازمان‌ها کار می‌کنند. پیامد این روند شکل گیری شبکه‌ای است که اکنون «جامعه مدنی تخصصی» نامیده می‌شود.

دو دیدگاه عمده در خصوص ارتباط سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های جامعه مدنی وجود دارد:

نخستین دیدگاه به هاری بلر مربوط است. او سازمان‌های غیردولتی را دربرگیرنده سازمان‌های جامعه مدنی می‌داند. سازمان‌های غیردولتی بر اهداف عمومی بیش از اهداف خصوصی تأکید می‌ورزند یا گروه‌های داوطلبانه ای هستند که با تأثیر گذاری بر سیاست‌های دولت، مقاصد دیگری به جز «کسب سود» دارند. شرکت‌های خصوصی به دنبال سود و احزاب سیاسی در پی به دست گرفتن قدرت سیاسی هستند. در حالی که هدف سازمان‌های غیردولتی در فرایند تأثیر گذاری بر دولت، کسب سود شخصی نیست.

دیدگاه دوم که از سوی سازمان ملل متحد ارائه شده در کتاب مرجع جامعه مدنی درج شده است. در بخشی از این کتاب به بررسی رابطه دولت و جامعه و نیز سازمان‌های مختلف موجود پرداخته شده است. در این تحلیل، یک شکل سه بخشی شامل حکومت، بازار و شهروند ارائه شده است که در ادامه به توضیح مختصر هر یک پرداخته می‌شود.

هدف بخش عمومی، که حکومت نیز نامیده شده فرمانروایی و حکومت است و برای رسیدن به آن از منابع دولتی استفاده می‌کند؛ قوانین و مالیات از این قبیل هستند. برای تأمین منابع از قدرت قانون، اجبار، تهدید و فرمان‌روایی استفاده می‌شود.





## اعلامیه جهانی حقوق بشر، از دیدگاه قوانین ملی و بین‌المللی

◇ خارمن محمد سالم سیدخیلی

شان می‌رساند؛ مثلاً حق زنده‌گی، زنده‌گی حق مسلم هر انسان است هر گاه فردی در صدد گرفتن آن گردد قانون آن شخص را طبق حالت به جزای شدید محکوم می‌نماید و مرتکب آن را به اعدام، حبس دوام در جهه (۱)، حبس دوام در جهه (۲) و به حبس طویل محکوم می‌نماید.

رعایت حقوق بشر:

### قانون اجرات جزایی

ماده پنجم -۱- برایت ذمہ حالت اصلی است، متهم تاوقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی‌گناه شناخته می‌شود.

۲- خارنوال وقاضی نمی‌توانند دلایل مبهم در قضیه را به حیث دلایل اثبات علیه مظنون و متهم توجیه وبا ابهام در قانون را به ضرر آن‌ها تعبیر نمایند.

ماده ششم کود جزاء، مظنون متهم و محکوم، بدون در نظر داشت تعلقات ملیتی، نژادی، زبانی، قبیله‌ای، دینی یا مذهبی، عقیده سیاسی، جنس، تحصیل، شغل، نسب، دارایی، موقف اجتماعی، محل سکونت واقامت در برابر قانون از تساوی کامل برخوردار می‌باشد.

رعایت اصل کرامت انسانی؛

ماده ۱۲ کود جزاء

۱- تعین جزای مخالف کرامت انسانی جواز ندارد.

۲- تطبیق جزا بر مرتکب با رعایت کرامت انسانی صورت می‌گیرد. اشخاص مظنون، متهم و محکوم تحت هیچ گونه فشار روحی و یا جسمی قرار گرفته نمی‌توانند طبق بند (۳) ماده (۷) قانون اجرات جزایی

ماده شصت دوم قانون اجرات جزایی؛ مراجع مندرج ماده شصت ویکم این قانون می‌توانند، پیش از صدور حکم قطعی در هر مرحله از مراحل تعقیب عدلى، از تقاضای خود منصرف گردند و با انصاف آن‌ها اجرات تعقیب عدلى متوقف و متهم در صورت که تحت توقيف باشد، رها می‌گردد.

که این همه موارد ذکر شده نمایان گر حمایت قانونی از حقوق بشری افراد جامعه می‌باشد، دولتها به رعایت آن مستلزم می‌گرددند.

انسان منجیث عالی ترین نشانه قدرت خداوند لایزال ازیدو خلقت بدون هیچ گونه تعییض دارای حقوق، آزادی‌ها و کرامت خاص می‌باشد مشروعيت و صراحت این حقیقت در نصوص الهی از زمان آدم «ع» الی خاتم النبیین حضرت رسول الله صلی الله و علیه وسلم مکرراً تأکید گردیده و مسؤولان امور به رعایت و تحقق آن امر شده‌اند.

به‌تأسی و تقليد الهی و هدایات پیامبران «ع» در ادوار مختلف تاریخ بشریت اشخاص بشروعت و مطیع تلاش نموده اند تا از طریق برقراری نظم و عدالت در سرتاسر جهان زمینه تحقق حقوق بشری افراد واحترام به بشر براساس اصل کرامت انسانی مساعد گردد. و تأسیس سازمان ملل متحده و تصویب استناد الزامی و غیر الزامی نمونه باز این نوع تلاش‌ها بوده که در رعایت و تحقق موازین حقوق بشر در سرتاسر جهان نقش مهم را ایفا می‌نماید. اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میلادی از طرف سازمان ملل متحد تصویب گردید.

حقوق بشر براساس استناد بین‌المللی، حقوق بشر، حقوق ذاتی و فطری همه انسان‌هاست که بدون تمایز از نظر نژاد، رنگ، جنسیت، زیان، دین، عقاید سیاسی یا عقاید دیگر، موقعیت اجتماعی، ثروت و موقعیت خانواده‌گی به انسان تعلق می‌گیرد، تمامی حقوق بشر، اعم از حقوق مدنی و سیاسی، مانند حق کار، امنیت اجتماعی و آموزش یا حقوق دسته جمعی مانند حق توسعه و حق تعیین سرنوشت وغیره... یکی از موارد مهم رعایت حقوق بشر، آشنایی با مکلفی‌های مندرج در استناد بین‌المللی حقوق بشر است که دولتها باید زمینه آن را برای اتباعش و همچنان کارمندان نهادهای دولتی فراهم کند.

ماده هفتم قانون اساسی سال ۱۳۸۲ دولت افغانستان تمام حقوق اتباع این سرمیان را رعایت می‌نماید، تصویب کود جزا قانون اجرات جزایی، قانون مدنی قانون رسیده‌گی به تحفظات اطفال و دیگر قوانین خود حمایت از حقوق بشر می‌باشد.

قانون اساسی افغانستان در فصل دوم حقوق اساسی و وحایب اتباع را تضمین نموده است.

نقض حقوق بشر: کود جزا از نقض حقوق بشر جلوگیری نموده است هر گاه از آن تخطی صورت گیرد ناقض را به جزای اعمال



gettyimages®  
Anadolu Agency

# حقانیت نبرد نیروهای دفاعی و امنیتی کشور، تأمین صلح و امنیت دائمی در کشور است

پیشگیری از جنگ

آغاز

افغانستان همیشه و به بهانه‌های مختلف سعی و تلاش می‌نمایند تا به خشونت و جنگ در کشور ما توصل جسته و نگذارند تا ملت درد دیده و رنج کشیده ما طعم شیرین امنیت و ثبات را بچشند. آن‌ها با الهام گرفتن از باداران خارجی شان بقای خویش را در ادامه جنگ می‌بینند و با استفاده سوی از نام مقدس اسلام می‌خواهند مردم شریف و نجیب کشور ما را همه روزه به شهادت برسانند. اگر واقعاً آن‌ها خواهان صلح و ثبات در کشور اند، باید دست از جنگ و خشونت کشیده به آتش بس که گام‌های نخستین رفتن به طرف یک صلح واقعی است تن در دهنند. ولی دشمنان صلح و آرامش از کشتن مردم ملکی و بی‌گناه کشور ما دست بردار نشده و خون‌های بندگان معصوم را به نا حق در این سرزمین می‌ریزانند.

روی این ملحوظ منسوبان دلیر و با شهامت ملی دفاعی و امنیتی کشور بخاطر تأمین امنیت سراسری و وجود آمدن صلح و ثبات واقعی در کشور در سنگرهای داغ نبرد با دشمنان صلح و آرامش رزمیده و جان‌های شیرین شان را در این راه تارسیدن به قله‌های موفقیت و پیروزی قربان می‌نمایند. این یک حقیقت مبرهن است که این نیروهای ملی دفاعی و

صلح یک عطیه خداوندی است که برای بندگانش آن را ارزانی داشته، و تأکید نموده است تا انسان برای زنده‌گی مرffe و آرام خویش، آن را در اولویت کاری زنده‌گی شان قرار دهنند. این یک حقیقت انکار ناپذیر است که زنده‌گی مملو از خوشبختی و سعادت در یک جامعه در گرو برقراری صلح نهفته است.

صلح که یکی از مبرم ترین و مهم ترین ضروریات انسان‌ها در روی زمین تشکیل می‌دهد. باید به آن توجه جدی صورت گیرد و به خاطر تحقق آن آماده‌گی‌های لازم و جدی روی دست گرفته شود تا هیچ گونه کوتاهی در راستای استحصال آن به وجود نیاید. مردم متدين و باعزت افغانستان بیش چهار دهه می‌شود که در آتش خانمان سوز جنگ‌های تحمیلی می‌سوزند و قربانی می‌دهند، دیگر مجال برای ادامه جنگ و خشونت در حوصله هیچ یک از آن‌ها نیست و مردم ما تحقق یافتن عملی پروسه صلح واقعی را در کشور از دل و جان پسندیده و دوست می‌دارند. انسان‌هایی که در جغرافیای کشور ما زیست و زنده‌گی می‌نمایند حق دارند تا صلح و ثبات واقعی در وطن شان به وجود آید و منحیث بشر حق مسلم شان است تا در روی زمین از این عطیه بزرگ خداوندی استفاده نمایند. اما دشمنان صلح و آرامش مردم



عزت، وقار و آزادی شهروندی به معنای واقعی تأمین شود و این صلح برای همیشه در کشور باشد. نیروهای دفاعی و امنیتی که اصیل ترین فرزندان کشور هستند برای تداوم نظام جمهوریت، رفاه و آسایش مردم و دفاع از تمامیت ارضی افغانستان در برابر دشمنانی که از سوی بیرونی‌ها تمویل و تجهیز می‌شوند تا افغانستان را ویران و مردم این کشور را به قتل برسانند، جوان مردانه و شجاعانه شب و روز مبارزه می‌کنند.

مبارزه‌ی خستگی ناپذیر نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان نه تنها برای آرامش مردم خود بلکه برای منطقه و جهان حائز اهمیت است، زیرا این نیروها در برابر تروریزم بین‌المللی می‌رزمند، تروریزمی که جهان را با خطر رویوساخته بود و روزگاری افغانستان به خانه تروریزم مبدل شده بود و از اینجا قصرتجارت جهانی را در امریکا هدف قرار داد. اما امروزه نیروهای شجاع و قهرمان افغانستان در برابر آن تروریستان و همکاران افغان شان که فریب آن‌ها را خوده و برای ویرانی کشور خود و کشتار مردم بی‌گناه افغانستان آستین بالا زده اند، شجاعانه مبارزه می‌کنند و دست‌شان را از جنایت و انجام حملات تروریستی کوتاه کرده اند.

جهان باید سپاس‌گزار فدایکاری‌ها و قهرمانی‌های نیروهای ملی و دفاعی افغانستان باشد.

بدون شک اگر فردا صلح در افغانستان تأمین می‌شود، نتیجه‌ی پیکار خستگی ناپذیر نیروهای دفاعی و امنیتی کشور است و شهروندان افغانستان هیچ‌گاه فدایکاری‌ها و قهرمانی‌های این دلیر مردان را فراموش نخواهند کرد.

امنیتی افغانستان هیچ‌گاهی طرفدار خشونت و جنگ نبوده و نیستند. نیروهای ملی دفاعی و امنیتی کشور به مثابه فرزندان اصیل و راستین این وطن مبارزه می‌نمایند تا صلح و آرامش در سراسر کشور عزیز ما افغانستان حاکم شده و قاطبه ملت افغانستان با کمال اطمینان و با خاطر آرام بتوانند در زیر چتر سایه سار آن زنده‌گی شبانه روزی خویش را ادامه دهند.

حقانیت نبرد نیروهای ملی دفاعی و امنیتی جز تأمین امنیت، بوجود آوردن صلح و ثبات دائمی در کشور، حاکمیت ملی، تطبیق یکسان قانون بالای همه اتباع کشور چیز دیگری نبوده و نیست. اما این دشمنان مردم و وطن هستند که دست به جنگ و خشونت زده نمی‌گزارند تا یک صلح پایدار و امنیت دائمی در کشور ما به وجود بیاید و مردم ما با صمیمت در کنار هم زنده‌گی نمایند. بر هر حال توقع و آرزوی همه مردم افغانستان اینست تا صلح و آرامش در قلوب افغان مردم خسته از جنگ ما به وضوح روشن و سعادت در قلوب افغان مردم خسته از جنگ ما به وضوح روشن گردد. امید وار هستیم که روزی با توکل به پروردگار، همت و بازوان توانای نیروهای ملی دفاعی و امنیتی کشور دامنه‌های صلح و ثبات همیشه‌گی در سراسر وطن ما هموار گردد.

نبرد و پیکار نیروهای دفاعی و امنیتی در برابر دشمنان مردم به خاطر تأمین صلح در کشور و آرامش مردم افغانستان است، حمایت بی‌چون و چرانی مردم از نیروهای دفاعی و امنیتی ثابت می‌سازد که این نیروها از میان مردم بخواسته و برای آرامش مردم در سنگرهای نبرد در برابر دشمن مبارزه می‌کنند.

بدون شک مردم افغانستان صلح می‌خواهند، صلحی که در آن



# مجازات از دیدگاه اسلام و حقوق جزا

پوهنیار سمونمل سید سلطان موسوی

دیگران. به هر حال اصل شخصی بودن مجازات یکی از ویژه‌گی‌های اصل جزای اسلام است و مؤید آن همان آیات است.

مطالعه تاریخ حقوق جزا نشان می‌دهد که پس از استقرار ائین اسلام در نظام جزائی این مكتب جرایم و تخلفات تحت نظم و قاعده خاص قرار گرفت و اصول و قواعد اساسی برای رسیده‌گی به جرم واثبات مسؤولیت جزائی و اعمال مجازات برقرار شد و مسئله شخصی شدن مسؤولیت جزایی که در سایر نظمات حقوقی سابقه نداشت، پذیرفته شد.



gettyimages<sup>®</sup>  
Anadolu Agency

از طرف دیگر در کلیه جرایم برای اثبات مسؤولیت برخورداری مرتکب از (شرایط عامه تکلیف) یعنی عقل، بلوغ، اختیار و علم بر حرمت آن عمل ضرورت پیدا کرد و به همین مناسبت در نظام جزائی اسلام اطفال، دیوانه‌گان و مرده‌گان مصیون ارتعقیب و مجازات بوده اند.

تعريف مجازات از نظر حقوق: مجازات یا جزا در لغت به معنی

مجازات عملی است که در مقابل هر عمل غیر قانونی در نظر گرفته شده است. مجازات در هر دین و قوانین وجود دارد که به منظور جلوگیری از افزایش جرم و جنایت وضع گردیده است. در اینجا مجازات از دیدگاه اسلام، حقوق و علماء به بحث و بررسی گرفته شده است، تا به عوامل مؤثر در تعیین میزان مجازات و خصوصیات مجازات به نحوی ازانها پرداخته شود. مجازات در ذات خود پیامد عمل مجرمانه یک شخص است که قانون به منظور تنبيه مجرم، اصلاح مجرم و بعيد ساختن جامعه از وجود پلید مجرم در نظر گرفته است. تدبیر که برای زدودن جرم در نظر گرفته شده است بستگی دارد به خصوصیات و شدت جرم. تدبیر و مجازات در مهار نمودن جرم نقش مهم دارد، اما این تدبیر و مجازات باید بپایه عدالت استوار باشد، تا از یک طرف حقوق شخص مرتکب جرم پایمال نشود و از جانب دیگر بی عدالتی خودش چی برای مجرم و چی برای متضرر اوضاع را وخیم‌تر می‌سازد. جرم از زمان پیدایش تا اکنون نظر به شرایط همراه با مجازات‌ها بوده است، اما در اثر سیر تاریخی، پژوهش محققین و جرم شناسان مجازات آن شاهد تغییر و تحولات زیادی بوده است. بررسی شرایط حاکم بر وقوع جرم و مسایل جسمی و روانی مجرم را برای تعیین مجازات به قاضی و محکمه را نیز این تحولات در زیر چتر بحث خویش قرار داده است.

واژه گان کلیدی: مجازات، عوامل مؤثر در تعیین میزان مجازات، خصوصیات مجازات، مسؤولیت جزایی در دوران معاصر، تدبیر امنیتی مجازات و مكتب کلاسیک مجازات!

تعريف مجازات از دیدگاه اسلام: پیش از ظهور و استقرار دین میان اسلام در جزیره العرب مسؤولیت جزائی مجرمین و اعمال مجازات منحصر به شخص مرتکب نبود، بلکه سایر اعضای خانواده واقوام و خویشان او نیز از مجازات در امان نبودند، اما اسلام با پذیرفتن «اصل شخصی بودن مجازات آن را به عنوان یک اصل مسلم بر اعمال مجازات حاکم نموده و به این وسیله نتایج محکومیت مجرم را فقط متوجه شخص مجرم نمود چراکه در منطق اسلام و قرآن مجازات‌ها شخصی است و عدل و انصاف هم چنین اقتضاء دارد که مجازات منحصراً دامن گیر شخص مجرم شود نه



از افراد مجرم» حقوق دانان عرب زبان و فقهای اسلامی از مجازات تحت عنوان «العقوبة» یاد می‌کنند. آقای عوده در کتاب خود زیر این عنوان می‌نویسد: «عقوبت جزائی است که برای مراعات منافع جامعه در برابر تمرد از احکام قانون وضع گردیده و منظور از آن عبارت است از اصلاح افراد و حفاظت از آن‌ها در برابر تردهای رها کردن آن‌ها از جهالت آزاد نمودن انسان از انجام گناه و در آخرت شویق انسان‌ها به متابعت از قانون».

در تعریف مجازات همچنین گفته شده است؛ «مجازات عبارت از تنبیه و جزای است که برمرتكب جرم تحمیل می‌شود، مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیرقابل تفکیک است و در واقع رنج و تعصّب است که مشخص حقیقی مجازات می‌باشد.

عوامل مؤثر در تعیین میزان مجازات: هر جرمی فی حد ذاته یک واقعه منحصر به فرد است، برای قانون‌گذار این امکان وجود ندارد که انواع موقعیت‌ها و شرایط حاکم بر وقوع تمام جرایم و خصوصیات جسمی و روانی مرتكب جرم و مشکلات تعقیب جزایی متهم را به شکل منطقی در نظام جزایی پیش‌بینی و برای هریک مجازات مناسبی تعیین کند به این دلیل در نظام‌های جزای جامعه قانون‌گذار ضمنی تعیین و مشخص کردن انواع مجازات بحسب شدت و خامت جرایم برای جامعه عوامل و کیفیات مؤثر در حداقل وحداکثر مجازات را در نظر می‌گیرد، همچنین وظیفه بررسی شرایط حاکم بر وقوع جرم و مسایل جسمی و روانی مجرم را برای تعیین مجازات مناسب به قاضی و محکمه واگذار می‌کند، اما باید دانست که بی‌گمان اختیارات قانون محکمه‌های جزای در تعیین مجازات همواره محدود به رعایت حداقل وحداکثر مجازات مقرر در قانون نیست، بلکه درباره ای اوقات اختیار محکمه است.

هدف اصلاحی جزا: امروز برخلاف ادوار گذشته در زنده‌گی اجتماعی روش‌های متفاوت تنبه‌ی و جزائی موجود است در تطبیق عکس العمل اجتماعی بالای مجرمین به خاطر تربیه مجدد آن‌ها کوچک‌ترین توجه صورت نمی‌گرفت و اکنون هر کشور با توجه به وضع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، آداب، رسوم و عادات مقتضیات و امکانات با تدوین قوانین مقررات سیاست جزائی اتخاذ می‌کنند و هدف آن نیز اصلاح و تربیه مجدد مجرمین می‌باشد.

«سزای عمل کسی را دادن» آمده است در اصطلاح حقوق جزا، صاحب نظر ان تعاریف مختلفی از مجازات ارائه کرده است.

به طور کلی در بیان مفهوم حقوقی مجازات به عنوان پیامد فعل مجرمانه می‌توان گفت که واژه مجازات در علم حقوق از معنی لغوی آن، یعنی تنبیه مجرم به علت ارتکاب جرم ریشه گرفته است. منتهی مفهوم مجازات به عنوان عکس العمل جامعه در برابر مجرم در عصر ما به صورت یک نهاد سامان یافته برای حفظ ارزش‌های معتبر اجتماعی از طرف قانون‌گذاران پذیرفته شده است با توجه به هدف‌های خاص درباره کسانی که دست به ارتکاب جرم می‌زنند مجازات از طرف محکمه جزائی در مورد آن‌ها به اجرا گذارده می‌شود.



مجازات از نظر علما: مرحوم داکتر حسین سمیعی در تعریف مجازات می‌نویسد: «مجازات مشقتی است که هیأت جامعه به سه منظور مهم برمجرم تحمیل می‌کند، منظور اول تلافی و قصاص جامعه است از مجرم. منظور دوم اصلاح و تصفیه اخلاقی مجرم است و منظور سوم مصئونیت جامعه است



## د (سولی او بشري حقوقو د تگلاري پر اساس په تياتر کې د مېرمنو گدون) تر نامه لاندي په کابل بنار کې غونډه ترسره شوه

يلدا اچکزى

هغې زياته کړه چې خلک د بشري حقوقو په اړه غلط فهمي لري. دوي فکر کوي چې د بشري حقوقو معنا دا ده چې سنهۍ له سپریو خخه لوړي دي. په داسي حال کې چې بشري حقوقه د تولو انسانانو لپاره د مساوی حقوقو معنا لري. هغې همدارنګه يادونه وکړه چې د تياتر انجونو دله هغه خوک دي چې په تولو ولايتو، ولسواليو او بساړونو کې يې د بشري حقوقو، مدنۍ حقوقو او د بشو حقوقو لپاره غږ پورته کړي.

اغلي سېپههر تېينګار وکړ چې افغان مېرمني د مساواتو سفيري دي او هیڅکله به دغه کربشه پېښیدي. هغې زياته کړه چې افغان انجوني او مېرمني بیا تېر دور ته نه ګرځي. د تياتر مشري کاوه ايریک د تياتر اغیزې او په افغانستان کې يې د وضعیت په اړه خبرې وکړي. هغې وویل چې تياتر د انسان په ژوند کې يو له خورا اغیزمنو شیانو خخه دي. هغې همدا راز يادونه وکړه چې تياتر هغه خه ندي چې له بهر خخه راغلې وي؛ بلکې له پخوا خخه تر نن ورځې پوري زمورو د پلرونوند هنر یوه برخه وه. هغې د بېلګې په توګه د روضه خوانې او (سينې وهلو) خبرې وکړي. کاوه آيریک زياته کړه چې په هبواود کې د روان کړکېن وضعیت له امله تياتر ورڅ پر ورڅ د خرابېدو په حال کې ده. هغې وویل: یوازې تياتر نشي کولای په خپله تولنه انتقاد وکړي او د تولنې لپاره د خونسې شبېي راولې خامخا به له منځه خې. د غونډي په پای کې ګډنواولو د طبېي موسوي لپاره جوړه شوې کتابچه کې خپل يادښتونه ولیکل.

افغان مېرمنو له تیرو دوو لسیزو راهیسې په تولو برخو کې د پام وړ پرمختګونه ترلاسه کړي او د افغانستان اسلامي جمهوریت او نړیواله تولنه د یادو لاسته راونو ساتني ته ژمن دي. له بلې خواه هنر په برخه کې افغان مېرمني او انجوني توانبدلي چې په بریالیتوب سره له هبواود بهر هم نندارونونه ترسره کړي او د افغانستان لپاره یې ځانګړي ویاړونه راوضي دي.

ياده پورتنې غونډه د سلطان د میاشتې په نهمه کابل بنار کې جوړه شوه. ياده غونډه چې ۵ (نوی عصر افغان ځوانانو) د مؤسسي لخوا ترتیب شوې شوه، همدارنګه پکې د طبېي موسوي د کارنامو او هنر خخه هم يادونه وشوه. طبېي موسوي څه موده وړاندۍ د کابل بنار په لوېدیځې سیمې کې په یوه انفجار کې ژوند بایلوده.

د غونډي ترتیب کونکو له يادي غونډي خخه خپله موخه د طبېي موسوي کارنامو ته درنواوي او همدارنګه د تياتر په برخه کې د مېرمنو گدون پر ځرنګووالې بحث کاوه. طبېي موسوي او فاطمه د افغان فلم دوی کارمندي وي چې د جوزا په ۲۲ مه د کابل په لوېدیځې سیمې کې وفات شوې. د یادو انجونو مړینه د تولنیزو او خبرې رسنیو له پرڅا غږگون سره مخ وو. طبېي موسوي د تياتر ګروپ او همدارنګه د برابري سفیرانو نومې ډلي غړي هم وه. د یادې ډلي د غړو په وينا طبېي موسوي او همکارانو یې له ۹۰ خخه زبات تياراتې ننداري ترسره کړي چې په زياترو نندارو کې اصلي او مهم رول د طبېي موسوي لخوا ترسره کېده. هغه دا ډول تياراتې نندارو له ترسره کولو خخه خپله موخه د مېرمنو برابري حقوقو او د بشري حقوقو د ارزښتونو لپاره مبارزه يادوله.

د تياتر انجونو او د مساواتو سفیرانو د طبېي موسوي په یاد کې د «این وطن بى ما وطن کې میشود؟» تر نامه لاندي یو ننداره هم ترسره کړه.

په ياده غونډه کې د ولسمېر د دویم معاونیت لپاره د بشري حقوقو مشاورې زهرا سېپههر او د تياتر ریيس کاوه ايریک هم خبرې وکړي. زهرا سېپههر په خپله وينا کې د مېرمنو په شتون کې د تياتر چلنډ او د بشري حقوقو پرمختګ خېږي او وویل چې د تياتر پر مت کولای شو د خلکو کورونو، ذهنونو او ژوندون ته ننځو او په دې سره کولای شو چې بشري حقوقه په اسانه توګه د خلکو په منځ کې دود کړو.



# پولیس زن

بلنه

له ټولو علاقه لرونکو او مسلکي کسانو خخه احترامانه  
هیله لرو چې د مطالبو د راپړلو سره موږ ته خپل  
سالم نظرونه او وراندیزونه چې زموږ د مجلې په غني  
کولو کې مرسته کوي و نه سېمومئ.

womenpolice14@gmail.com